

سیری در آرای صاحب‌نظران  
پیرامون مشکلات کنونی صنعت

## صنعت داخلی نیازمند کدام است؟

- اصلاح ساختار
- تسهیلات بانکی
- جلوگیری از واردات

با نظراتی از:

- \* آقای دکتر محسن نوربخش، معاون اقتصادی رئیس جمهوری
- \* آقای مهندس سید حسین هاشمی، رئیس کمیسیون صنایع و معادن
- \* آقای حسین امینی، نایب رئیس دوم کمیسیون صنایع و معادن
- \* آقای دکتر عباسعلی زالی، نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه
- \* آقای محمد هاشم رهبری، نایب رئیس دوم کمیسیون برنامه و بودجه
- \* آقای مهندس علینقی خاموشی، عضو کمیسیون صنایع و معادن
- \* آقای منصور سلیمانی، عضو کمیسیون صنایع و معادن
- \* آقای علی مبینی دهکردی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه
- \* آقای سیدرضا نوروززاده، عضو کمیسیون صنایع و معادن
- \* آقای مهندس مرتضی نبوی، عضو کمیسیون اقتصاد و دارایی
- \* آقای مهندس ابوالفتح نیکنام، عضو کمیسیون صنایع و معادن
- \* آقای دکتر عادل، رئیس کل بانک مرکزی \*
- \* آقای مهندس نعمت زاده، وزیر صنایع
- \* آقای مهندس الویری، معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات
- \* آقای حسین ناجی، معاون صنعتی و بهره‌برداری وزارت صنایع
- \* آقای مهندس ضرابیه، رئیس هیأت مدیره شرکتهای پلاستیران، یزد یافت، شیشه همدان، برک و رنگین



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

اشاره:

مشکلات و تنگناهای موجود در بخش صنعت کشور موجب گیریهای متفاوتی را در بخشهای گوناگون سیاستگذاری و اجرایی کشور برانگیخته است. مجلس و پژوهش در ادامه بررسی و ریشه‌یابی مشکلات صنعت کشور، شش سوال را پیرامون مسائل ساختاری، نیازهای اعتبار و تقدینگی، واردات و موانع مدیریتی و اجرایی صنعت با نمایندگان صاحب نظر مجلس و شماری از وزرا و کارشناسان صنعتی مطرح ساخته است. توجه خوانندگان گرامی را به نظرات ارائه شده جلب می‌نمایم.

۱ - مشکلات کنونی کارخانجات تا چه اندازه به فقدان تسهیلات بانکی برای واردات مواد اولیه باز می‌گردد و تا چه اندازه به مشکل عدم جذب تولیدات داخلی مربوط است؟ عدم جذب تولیدات داخلی تا چه اندازه به مشکل واردات مربوط است و تا چه اندازه به ساختار بیمار صنعتی کشور باز می‌گردد؟

که نقدینگی رشدی بالای ۲۷ یا ۲۸٪ داشته باشد، به همان نسبت نیز ما مورد سؤال قرار می‌گیریم که چرا نقدینگی فرضاً آن قدر رشد داشته و چرا تورم این طور شده است؟

ما برای حل مشکل نقدینگی یک سیاست پولی را به تصویب دولت رساندیم که مبنای کار ماست. بخشی از آن درارتباط با تسهیلاتی است که مجلس در تبصره‌ها و یا در متن بودجه به صورت تکلیفی برعهده بانکها گذاشته است. که عبارت است از تبصره ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۱، ۲۶، ۲۷، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵ که جمع اینها چیزی در حدود ۶۷۵۲ میلیارد - آن طور که تخمین زده می‌شود - خواهد شد. بخشی هم درارتباط با بعضی از پروژه‌هاست مثل پروژه نیشکر، مترو، شرکتهای آب وفاضلاب و نظایر این که وقتی اینها را جمع می‌زنیم و آن چه را که بانکها امکان تسهیلاتی دارند. برای بخش خصوصی میزان محدودی می‌ماند که همان رقم ۵۰۰۰ میلیارد ریال است. ما پیش‌بینی کردیم که درسال ۷۲ این رقم را به بخش خصوصی اختصاص بدهیم که این خود شامل همه نیازها در تمام بخشهای

آتسای دکستر محسن نوربخش معاون اقتصادی رئیس جمهوری:

راه صحیح در واقع این است که خود مشکل را خوب شناخته و مطمئن باشیم، در آن صورت راه‌حلی که ارائه می‌دهیم پاسخ مسئله است. مثلاً هم بحث نقدینگی به عنوان یک مسئله مطرح می‌شود و هم بحث عدم فروش محصولات نظیر شکر یا پارچه و... که بخشی از آن به علت سیاست واردات است که نتوانستند رقابت کنند. اگر ما این مجموعه مسائل را با هم ببینیم و آنها را با هم حل نکنیم، مطمئناً تأمین نقدینگی مسئله را حل نمی‌کند. ما اگر نقدینگی در اختیار کارخانه‌های قند قرار بدهیم و آمار موجودی انبارهای آنها از ۱۵۰ هزار تن به ۲۵۰ یا ۳۰۰ هزار تن برسد، مسئله‌ای حل نخواهد شد. از آن طرف هم پولی که بانکها به واحدها تزریق می‌کنند آثار سوء خودش را خواهد داشت. یعنی فکر نکنیم که این پول کم‌اثرترین و بی‌خطرترین پول است و مشکل کارگری و خوابیدن واحدها را می‌توانیم بدون دردسر با آن حل کنیم. از آن طرف هم وقتی که قیمتها بالا برود و وقتی

خواهد داشت. اگر که نه، می‌پذیریم که بخشی از مشکل نقدینگی باید با فروش محصول باشد و باید با فروش محصول ریال جذب کنیم که این فروش محصول در سطح قیمت جدید است. یعنی شکر به قیمت کیلویی ۲۳ ریال یا ۳ تومان - که قیمت دلار ۷ تومانی است - عرضه نمی‌شود، بلکه براساس کیلویی ۶۰ تومان که حداقل قیمت است عرضه می‌شود، بنابراین می‌تواند یک گردش نقدینگی حاصل از فروش محصول خود کارخانه به وجود بیاید.

آقای مهندس سید حسین هاشمی، رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس: شاید بتوان گفت که بخش عمده‌ای از مشکلات واحدهای صنعتی، متوجه تسهیلات بانکی است. واحدهای صنعت سنگین با توجه به اینکه نسبت به سایر صنایع از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است نیز از این بابت در نگرانی به سر می‌برند و جا دارد که سیستم بانکی خودش را برای مقابله با این مشکلات تجهیز کند. نقدینگی مشکل بسیاری از واحدهاست و متأسفانه با توجه به شرایط فعلی، واحدهای موجود از نظر نقدینگی در تنگنای بسیار سختی قرار دارند و با خطر تعطیلی مواجه هستند. مشکل دیگر گشایش اعتبار است. قبلاً زمانی که ارزش ۷ تومان بود با ۲۵٪ گشایش می‌شد، الآن فقط با ۱۰٪ اجازه گشایش می‌دهند. و واضح است که چنین نقدینگی‌ای در بین تولیدکنندگان وجود

غیردولتی است. اگر ما فکر می‌کنیم که بانکها می‌توانند دلار ۱۶۰ تومانی را ضریبدر میزان مصرف ارز دستگاههای بخش خصوصی بکنند و معادل ۱۰٪ آن را پرداخت کنند چنین چیزی برای بانکها مقدور نیست و از نظر اقتصادی هم به مصلحت نیست. ما باید کاری بکنیم که به هر حال بخشی از نقدینگی موردنیاز واحدها از محل فروش محصولشان تأمین بشود. توی همین مثالی که عرض کردم در رابطه با تولید شکر اگر که ۱۵۰ هزارتن را شما در نظر بگیرید ضریبدر فرض کنم که کیلویی ۶۰ تومان بکنید رقمی که به دست می‌آید، هم می‌تواند نقدینگی موردنیاز بخش کشاورزی را تأمین کند، هم نقدینگی لازم برای پولی که به چغندرکار باید بدهند، فراهم می‌شود و هم آن گردش کار کارخانه را می‌تواند تأمین بکند، فشاری هم به بانک نمی‌آید. اما می‌توانیم اینگونه نیز بگوئیم که این ۱۵۰ هزارتن برسد به ۲۰۰ هزارتن و بنابراین بانک آن قدر تسهیلات به کارخانه بدهد که هم بتواند به چغندر کار پول بدهد، هم نیازهای کارخانه تأمین شود. اگر این سیاست مورد قبول است، ما می‌گوئیم عوارض این کار چه خواهد بود و چه آثاری از نظر افزایش قیمتها

**\* دکتر زالی، نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه: باید از خود بپرسیم که چرا به این روز افتاده‌ایم که هم فرضاً شکر را با قسمت گزاف وارد می‌کنیم و هم شکرروی دست تولیدکنندگان می‌ماند؟**

ندارد. گذشته از اینها واردات، کماکان به صورت بی‌رویه در حال انجام است و هنوز هیچ سیاستی جهت جلوگیری از این قضیه اتخاذ نشده است.

آقای حسین امینی نماینده قاننات و نایب رئیس دوم کمیسیون صنایع و معادن: امروز صنعت ما با دو مشکل عمده مواجه است:

۱- عدم انسجام و هماهنگی سیستم بانکی با نیازهای واحدهای تولیدی.  
۲- عدم امکان رقابت تولیدات داخلی در اکثر موارد با مشابه خارجی چه در داخل و چه در مورد صادرات.

در رابطه با مشکل اول باید گفت در حالی که کارخانجات با شرایط ارز آزاد کار می‌کنند و بالطبع نیاز مالی‌شان چند برابر شده است، سیستم بانکی نتوانسته و یا نخواسته است به موازات این نیاز، اعتبارات و کمکهای خود را افزایش دهد و در نتیجه کارخانجات مشکل جدی نقدینگی دارند و حتی در شرایطی که نقدینگی را خودشان

تامین می‌کنند برای ورود مواد یا قطعات با بانک مرکزی مشکل دارند. اصولاً شرایط بانک مرکزی برای ورود مواد - حتی در زمانی که ارز توسط خود متقاضی تامین شود - چه از نظر درصد پیش پرداخت و چه از نظر نحوه پرداخت بانک مرکزی به طرف مقابل، به گونه‌ای است که بار سنگینی را به دوش کارخانجات تحمیل می‌کند. چنانچه بانک مرکزی در این رویه تجدید نظر نکند، در آینده‌ای نزدیک شاهد بروز مشکلات ناشی از آن خواهیم بود. هر چند در حال حاضر هم این مشکل را دارند.

مشکل دوم، عدم امکان رقابت تولیدات داخلی با مشابه خارجی است. علی‌رغم اینکه نیروی انسانی و امکانات زیربنایی ارزآوری در مملکت وجود دارد، به نظر می‌رسد عوامل زیر در این عدم قدرت رقابت مؤثر است:

۱- ساختار نیروی انسانی کارخانجات  
۲- هزینه‌های سربار ۳- حجم زیاد هزینه‌های در گردش ۴- راکد ماندن سرمایه  
۵- قانع نبودن کارخانجات و صاحبان صنایع به سود مناسب ۶- و از همه مهمتر کارمزدهای بالای سیستم بانکی (که با هزینه‌های تبعی آن به بالای ۲۰٪ می‌رسد). مجموعه این مسائل صنعت ما را در شرایطی قرار داده است که تولیدات آن با مشکل جدی فروش مواجه باشد.

وقتی سود سپرده ثابت که نه مالیات دارد و نه مشکلات کارگری و نه با معضل

کارخانه‌های صنعتی ما این باشد که منسوجاتشان را کسی نمی‌خرد؟ بعد فشار می‌آورند به بانکها برای نقدینگی بیشتر. یعنی باید ببینیم واقعاً کجای این سیاستگذارها لنگ است؟

در رابطه با واردات هم باید نتیجه‌گیری بکنیم که آیا اصولاً کشور با این نحوه واردات می‌تواند اصولاً زمینه تولید داشته باشد یا خیر؟ این ممکن است که مشکلات فعلی دولت را از نظر گرانی یک مقداری کاهش بدهد یا کمبودها را رفع بکند ولی آوردن این میزان پنیر و مرغ و تخم مرغ و... مسلماً ورشکستگی تولیدکننده داخلی را به دنبال خواهد داشت. همین وضع در مورد صنعت هم صدق می‌کند. و شورای اقتصاد یا دولت، باید پیش‌بینی‌های لازم برای رفع ناهماهنگی‌ها را بنمایند.

مواد اولیه، فروش و... مواجه است بالای ۱۵٪ باشد، و وقتی انواع و اقسام کالاهای خارجی بدون حساب و کتاب و بدون بررسی میزان نیاز وارد می‌شود و از طرف دیگر تولید در کارخانجات با مشکلاتی که برشمرده شد روبروست، قطعاً نجات واقعی تولید در گرو تغییر ساختار صنایع و ایجاد مکانیسمهای مشخص در زمینه سیاستگذاری صنعتی از طریق یکپارچگی تشکیلاتی، اعتبارات، نیازها و ظرفیتهای موجود، تحقیق و توسعه و... می‌باشد.

آقای مهندس علینقی خاموشی عضو کمیسیون صنایع و معادن:

معضل کسب و کاری ما آن است که کارخانجات صنعتی با رکود مواجه شده‌اند. این رکود عبارت است از مواجه بودن با انباشته شدن کالا از یک طرف و کسری نقدینگی از طرف دیگر. عوامل زیادی هم باعث پدید آمدن این وضع شده‌اند. سؤال

آقای دکتر عباسعلی زالی نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه:

الان ناهماهنگی‌هایی در زمینه‌های تولید، مصرف و واردات وجود دارد و این ناهماهنگی چیزی نیست که کسی بتواند منکر آن بشود. اینکه به واحدهای تولیدی نقدینگی بدهیم که تلفاتی فروش آن کالایی که روی دست کارخانه مانده را هم بکند، فایده ندارد. سؤال این است که ما چرا اصلاً به این روز افتادیم که هم فرضاً شکر را با قیمت گزاف وارد بکنیم و هم شکر روی دست تولیدکنندگانمان بماند؟ یا چرا به این روز افتادیم که منسوجات را بدون هیچ کنترلی وارد کنیم و آن وقت مشکل اولیه

\* آقای نوروززاده، عضو کمیسیون صنایع و معادن: اضافه مصرف ارز در صنایع، بیشتر صرف خرید مواد اولیه تولیدات مصرفی شده است.

فشار می آورید؟

سیستم گشایش اعتبار ما الان دارای نواقص زیادی است. این سیستم بر مبنای ارز ۷ تومان بود. و متأسفانه الان هم که نرخ شتاور است، بر همان مبنای انجام می شود و این غلط است. حالا تازه اضافه اش هم کرده اند. پارسال با ۱۵٪ اجرا می شد و الان باید ۱۰۰٪ را پرداخت کنیم. شما چه بخواهید و نخواهید الان حدود ۳۰٪ از گشایش اعتبارات دوبله عمل می شود یعنی از بازار ارز می خردند و می فرستند خارج، در حالی که گشایش اعتبار شده که آن جنس را حمل بکنند و از اینکه گشایش اعتبار پولش پرداخت شد پول را برگرداند.

آقای منصور سلیمانی نماینده شهر بابک، عضو کمیسیون صنایع و معادن:

باید قبول کنیم که صنعت به عنوان بخش مهمی از اقتصاد کشور دارای پارامترها و خصوصیات پیچیده ای است که اصلاح و بهینه کردن آنها بسدون بررسی و پیش بینی های لازم می تواند اثرات نامطلوبی بر سایر پارامترها و یا سایر بخشهای اقتصادی داشته باشد. به عنوان مثال برای بهبود کیفیت تولیدات صنعتی و ایجاد رقابت سالم، ورود اکثر کالاهای صنعتی به کشور آزاد گردیده که نتیجه آن عدم جذب تولیدات صنعتی داخلی بود. از طرف دیگر در شرایط جدید اقتصادی می بایستی اولویت لازم به اصلاح ساختار

ما از دولت این است که چرا سیاستهای اقتصادی اش با هم هماهنگ نیست؟ چرا موقع گشایش اعتبار، صد درصد پول را از ما می گیرند؟ چرا ۴ ماه یا ۳ ماه قبل از مبادله اسناد، بانک پولش را از ما می گیرد؟ این تصمیم، تصمیم غلطی است.

مطلب دیگر نحوه گشایش اعتبار است که در صورت باطل شدن، تمام آن را بر نمی گردانند. با توجه به گشایش اعتبار، قیمت دلار حدود ۱۷۰ یا ۱۸۰ تومان تمام می شود، اما موقع باطل کردن، ۱۶۵ تومان باطل شده و ۱۵ تومان کم می شود!

باید توجه کنیم که ابزار حمایت از تولید داخلی - حقوق و عوارض گمرکی - را از دست ندهیم. پارچه خارجی چطور زیر قیمت پارچه داخلی تمام می شود؟ مسئول درست کردن این وضع کیست؟ دولت باید این وضع را درست بکند. الان یکسال ونیم است که دولت وظایف خودش را انجام نداده اما چه کسانی تصمیم می گیرند؟ وزاری صنعتی بعلاوه مسئولان اقتصادی و بانکی. آقایان گفتند که ما رو به سمت اقتصاد آزاد در حرکتیم و در این راه کنترل واردات چه معنایی دارد؟ ولی ما، چون ارز نداریم باید واردات را کنترل کنیم. می گویند سالی ۵ میلیارد برای صنعت در نظر گرفته شده است، یعنی ۱/۴ درآمد ارزی. چرا فشار را روی صنعت می آورید؟ ما نمی گوئیم تجارت را آزاد کنید؟ تجارت را بیابند ۲۰۰٪ یا ۳۰۰٪ بگیرند، روی صنعت چرا

باشیم که در برنامه دوم از فروش تولیدات این بخش، معادل آن چه که در برنامه اول دریافت کرده به کشور برگرداند و با ارزش افزوده حاصل از آن خود را نیز اداره نماید؟ باید به طور صریح اذعان کنیم که ساختار صنعتی کشور، مناسب نیست و صنایع مادر، صنایع واسطه‌ای و صنایع مصرفی سهم معقولی در کشور ندارند. بلکه صنایع مصرفی - آن هم آن دسته از صنایع مصرفی که جنبه کم اهمیت تری در زندگی دارند - بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

در رابطه با صادرات هم تولیدات ما به دلیل ناتوانی رقابت با کالاهای مشابه، وضعیت مناسبی ندارند.

پس بخش صنعت پاسخگوی کدام نیاز کشور است؟ آیا می‌خواهیم با تولیدات صنعتی کشور، واردات نداشته باشیم؟ این در صورتی ممکن است که کالای تولید شده داخلی حداقل دارای کیفیتی مشابه کالای خارجی باشد تا مصرف کننده داخلی ترجیح دهد آن را مصرف نماید. و یا اینکه می‌خواهیم از طریق افزایش تولیدات داخلی وارد بازار جهانی شویم و سهمی از تولید مورد نیاز جامعه جهانی را به تولید خود اختصاص داده و از این طریق درآمدهای ارزی کشور را افزایش دهیم؟ اگر هدف این است که باید گفت که نه صنایع خودروسازی مان و نه صنایع تولیدکننده مواد مصرفی مان مانند نوشابه و البسه و غیره هیچ یک نتوانسته‌اند به این هدف برسند. پس باید در بازار کشور حضور داشته

بیمار صنعتی کشور داده شود که این موضوع علیرغم همه گفته‌ها، جنبه عملی پیدا نکرده است. بقیه مشکلات از قبیل کمبود نقدینگی و عدم جذب تولیدات داخلی نیز از این رهگذر یکی پس از دیگری امکان بروز می‌یابد.

آقای علی مبینی دهمردی عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

برای بررسی بخش صنعت نیازمند آن هستیم که چند محور عمده را مورد توجه قرار دهیم:

- ۱ - آیا بخش صنعت کشور دارای ساختار مناسب، منسجم و متناسب با نیازهای اساسی کشور است؟ و آیا تولیدات آن پاسخگوی نیازهای جامعه می‌باشد؟
- ۲ - آیا بخش صنعت دارای هدف مشخصی در تولید است؟ آیا به دنبال تأمین نیازهای داخلی است و یا اینکه می‌خواهد سهمی از بازار منطقه‌ای و جهانی داشته باشد؟
- ۳ - آیا بخش صنعت کشور تولیدکننده و درآمدزاست و یا مصرف کننده و هزینه بر؟
- ۴ - طی برنامه اول که به صنایع مادر و واسطه‌ای توجه شده است آیا با توجه به ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌ای که به بخش صنعت داده شده می‌توانیم انتظار داشته



**\* مهندس علی نقی خاموشی، عضو کمیسیون صنایع و معادن: چرا سیاست بازرگانی دولت با سیاست تک نرخی کردن ارز هماهنگ نیست؟**

باشیم که این حضور هم متأسفانه به کالای مشابه خارجی سپرده شده است. البته برای کشور ممکن نیست که بازار را انحصاراً در اختیار صنعت داخلی بگذارد، چون این باعث افت بیشتر کیفیت می شود.

بنابراین مشکلات کتونی کارخانجات را می توان به این شرح نام برد:

کیفیت پایین تولید، عدم قدرت رقابت با کالاهای مشابه خارجی، کمبود تسهیلات بانکی و عدم کارایی و بهره برداری مناسب از سخت افزار و نرم افزارهای موجود.

**آقای سیدرضا نوروززاده عضو کمیسیون صنایع و معادن:**

همان طور که از سؤال مشخص است مشکلات صنعت عبارت است از فقدان تسهیلات بانکی، عدم جذب تولیدات داخلی و ساختار صنعت کشور. فقدان تسهیلات بانکی به این دلیل است که وقتی نرخ پایه ارز از هفت تومان به ۸۰ تومان، بعد به ۶۰ تومان و بعد هم به نرخ شناور تغییر کرد، طبیعتاً حجم نقدینگی که کارخانجات نیاز داشتند خارج از تصور

مدیران و مسئولین و کارگزاران صنایع مملکت بود. از طرف دیگر اعتبار بودجه سال ۷۲ تقریباً ۲ برابر سال ۷۱ است در حالی که نرخ پایه ارز حدود ۲۰ برابر تغییر کرده است. حالا اگر بحث این است که باید به همان نسبتی که نرخ ارز تغییر کرده حجم نقدینگی نیز تغییر پیدا کند، در واقع مشکل صنعت حل نخواهد شد. مشکل فعلی بخش صنعت وابستگی صنایع به ارز خارجی است. پیشنهادی که من به عنوان عضو کمیسیون صنعت و معدن در مورد حل مشکلات و معضلات بانکی و صنعت دارم این است که ضمن اینکه بانکها باید میزان تسهیلات اعطایی به صنعت را افزایش بدهند، صنایع نیز باید برای تغییر ساختار خودشان تلاش کنند تا بتوانند بیشتر صادرات داشته باشند. یعنی اگر چنانچه نتوانند صادرات داشته باشند، این صنعت نمی تواند در درازمدت به بقای خود ادامه بدهد. برای این که بتواند صادرات داشته باشد باید ساختار خود را اصلاح بکند، باید سرمایه گذاری داشته باشد تا بتواند تولیدش با تولید خارجی رقابت داشته باشد. ما هم برای اینکه صنایع بتوانند روی پای خود بایستند باید سیاستگذارهای درستی در مملکت داشته باشیم.

همین عدم جذب تولیدات داخلی که مشکل فعلی صنعت است، به این دلیل بوجود آمده که به خاطر قیمت تمام شده محصول قدرت رقابت با تولیدکننده

موقع بالا می‌رفت و منطقی می‌شد، جلوی واردات بی حساب هم گرفته می‌شد. من فکر می‌کنم همین حالا هم باید این کار را بکنیم. یعنی هرچه زودتر برای اینکه جلوی واردات بی حساب گرفته بشود، تعرفه‌ها متناسب شود و به طور معقول از تولیدات داخلی حمایت بشود. طوری وضع بشود که درآمدهای دولت هم به خطر نیفتد.

آقای مهندس نعمت‌زاده وزیر صنایع:

ما صنایع را از دولت منفک کرده و به بخش خصوصی دادیم. مثلاً در گذشته همین کارخانجات قند و شکر پولشان را از بانک می‌گرفتند و هیچ سروصدا هم نمی‌شد، اما حالا کار را داده‌ایم دست بخش خصوصی و گفته‌ایم که می‌خواهیم حمایت کنیم ولی به آنها پول ندادیم. در سال ۷۰ درمورد قند و شکر ۷۰ میلیارد ریال تسهیلات داده شد ولی سال گذشته تا آخر بهمن، فقط ۱۵ میلیارد داده شده بود و درنهایت با وساطت رئیس جمهوری توانستیم ۶۹ میلیارد، آن هم آخر سال جذب

خارجی را ندارند. به اعتقاد من راه حل صحیح، تغییر نرخ تعرفه‌های گمرکی، سرد بازرگانی و مالیات است. در همه کشورها هم برای اینکه یک توازن بین تولیدات داخلی و خارجی وجود داشته باشد این مسأله متداول است. باید این سیاست‌گذاریها صورت بگیرد تا امکان چنین رقابتی به صنایع داخلی داده شود. درحال حاضر علت اینکه صنایع مختلف با کمبود نقدینگی مواجه هستند آن است که مقدار قابل توجهی از تولیداتشان را انبار کرده‌اند و نمی‌توانند رقابت بکنند و فروش داشته باشند.

آقای مهندس مرتضی نبوی عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی:

درمورد واردات من باید عرض کنم که به محض اینکه تعرفه‌های گمرکی بالا می‌رفت، اجناس گران می‌شد و ممکن بود بسیاری از ما از پشت تریبون مجلس فشار بیاوریم که چرا گرانی شده است. کما اینکه همین حالا هم داریم این فشار را می‌آوریم. درحالی که باید بپذیریم یک مقداری از گرانی‌ها برائر تعدیل است. پس یکی از اشکالاتمان هم همین است. اگر دولت دغدغه فشار ما را نمی‌داشت و تعرفه‌ها به

\* آقای نوروززاده عضو کمیسیون صنایع و معادن: تحولات خوب صنعت سنگین در سالهای اخیر به لحاظ سرمایه‌گذاریهای زیربنایی نبوده است بلکه به خاطر توجه به افزایش بهره‌وری و بها دادن به بالابردن توانایی‌های انسانی بوده است.

بکنیم و به روستائیان بدهیم، یک مقدار هم مانده است که هنوز به کشاورزان و کارخانجات بدهکاریم.

محصول چغندر ما ۶ میلیون تن است که ۳۵ کارخانه خریدار آن هستند. این ۶ میلیون تن، برابر قیمت مصوبه شورای اقتصاد که امسال برای هر تن ۵۲ هزار ریال در نظر گرفته شده است، مبلغی در حدود ۳۱۲ میلیارد ریال می شود که این فقط مربوط به مواد اولیه است. حداقل ۲۰۰ میلیارد ریال نیز سایر هزینه هاست، پس ۵۰۰ میلیارد ریال هزینه دارد. درخواست ما برای امسال ۱۰۰ میلیارد ریال است. یعنی ما ۲۰٪ نیازمان را می خواهیم که این بالاترین میزان درخواست ماست. بقیه صنایع کمتر از این به تسهیلات بانکی نیاز دارند. بنابراین بحث دریافت یا تقاضای دریافت ۱۰۰٪ نیاز از سیستم بانکی مطرح نیست. ۸۰٪ را بخش خصوصی و خود کارخانجات تأمین می کنند. کجای دنیا این طوری صنعت اداره می کنند؟ پارسال هم اگر تکلیف آقای رئیس جمهور نبود فکر می کنم تا آخر سال همان ۱۵ میلیارد باقی می ماند. باید یک طرح جامع در ابعاد مختلف طراحی و اتخاذ بشود تا عمل کنیم. درست است که خیلی دیر شده ولی باز هنوز وسط راه هستیم.

گذشته از آن، اطلاعات نادرست به مسئولان بانکی و تصمیم گیرنده می رسد. در مورد نقدینگی واقعیت این است که ما با این

تسهیلاتی که ۲۵٪ یا ۱۵٪ عمل می شد و با موجودی که از سال ۶۹ و ۷۰ داشتیم توانستیم خودمان را به امروز برسانیم. تولیدکنندگان ما اکنون دغدغه خوابیدن کارخانه را دارند و کسی نمی تواند به فکر صادرات باشد. الان بحث و مشکل صنعت خیلی جدی تر از قبل شده. من به عنوان کسی که تولید را دوست دارد. می گویم که این مملکت تا تولید نداشته باشد، پدبخت و وابسته به نفت است. اجازه بدهید تولید راه بیفتد. آنها که از وابستگی صنعت صحبت می کنند به نظر من به صنعت کشور واقف نیستند. درست است که گرایش صنعت ما صادراتی نیست ولی این دلیل بر وابستگی اش نیست. تا تولید را حمایت نکنید صادرات راه نخواهد افتاد. ما حتی در خیلی از چیزها از بنگلادش هم کمتر تولید می کنیم. این که صنعت ما مریض است، دولت و عملکرد غلط ما باعث شده است، نه ناسالمی صنعت. باید به صنعت اجازه بدهید که رشد کند. درجایی که ما کمکش کردیم یا جهت دادیم و مزاحمش نشدیم، رشد پیدا کرده است. حداقل ۵۰۰ میلیارد تومان از طریق ارز، به صنعت سوئیس داده می شد و با شهادت این را قطع کردند. کدام مملکت می تواند این چنین قطع سوئیس را یک دفعه تحمل کند؟ ما می گوئیم به جای سوئیس غیرقابل برگشت فقط دو سال تسهیلات بدهید. یا مقداری که بلابرگشت می دادید، حالا با برگشت بدهید.

۳۰٪ بخش ساختمان، ۳۶٪ صنعت، ۸/۵٪ بخش صادرات و به بخش بازرگانی و متفرقه نیز ۹٪ اختصاص دادیم.

البته طی سالها همیشه در عملکرد این درصدهای مصرب، تفاوت‌هایی بوده و همیشه هم به نفع صنعت فرق کرده است. یعنی در سال ۷۱ با این که مصوبه صنعت ۳۷٪ بود، ولی ۴۲٪ عملکرد داشت.

از طرف دیگر کل درصدی که اعتبارات افزایش پیدا می‌کند تابعی است از نقدینگی و نقدینگی نیز خود تابعی از تورم است. یعنی اینکه تورم قابل قبول برای جامعه چه مقداری است، اگر ۷۰٪ است، ما نقدینگی را ۷۰٪ بالا می‌بریم و اگر ۲۰٪ است ما نقدینگی را ۲۰٪ افزایش می‌دهیم. تورم قابل قبول برای سال ۷۲، بین ۲۰ تا ۲۵٪ خواهد بود. حالا اگر فرض کنیم این ۲۵٪ یا ۳۰٪ نقدینگی چیزی در همین حدود تورم ایجاد کند، معنی آن این است که ما بیش از این نمی‌توانیم با اصطلاح نقدینگی مان را بالا ببریم یا اعتباراتمان را بالا ببریم. کل اعتباراتی که ما می‌توانیم در سال آینده بدهیم چیزی حدود ۹ هزار میلیارد خواهد بود. ۹ هزار افزایش مانده در سال ۷۲ که این ۹ هزار میلیارد افزایش مانده تسهیلات است که اگر ۳۰٪ هم با برگشتی اضافه بشود، ۲۳ یا ۲۴ هزار میلیارد ریال، مقدار پولی است که ما وارد بخشهای مختلف می‌کنیم، و مقدار آن کم هم نیست. یعنی رقمی در حدود بودجه.

آن چه که در کلان برای کشور مهم است این است که امسال نسبت به سال گذشته

به صنعت اعتماد کنید، ما تضمین می‌کنیم هیچ کدام اینها نمی‌سوزد. اگر فوری بداد صنعت نرسیم - چه در رابطه با نقدینگی چه در مورد واردات - به مملکت ظلم می‌کنیم، گناه کیبزه مرتکب می‌شویم. داریم تولید داخلی را به نفع تولیدکنندگان خارجی قطع می‌کنیم و به نفع کارگران خارجی، کارگر خودمان را بیکار می‌کنیم. این ظلم است.

آقای دکتر عادل رئیس کل بانک مرکزی: ابتدا باید عرض کنم که ما در تمام این سالها بیشترین سهم تسهیلات را به بخش صنعت دادیم. به طوری که رشد تسهیلات صنعتی در خلال این چهار سال ۵۳۸٪ بوده و در عوض کشاورزی ۳۰۰٪، ساختمان و مسکن ۲۸۴٪ و رشد تسهیلات بازرگانی، خدمات و متفرقه ۲۱۶٪ بوده است. این که می‌گویند سیستم بانکی در خدمت واردات است، باید از آمار و ارقام بپرسیم که آیا واقعاً این طور بوده است یا خیر؟ آمار می‌گوید که ما در بخش تسهیلات بیشترین عنایت را به بخش صنعتی داشتیم. در سال جاری هم ما سیاست پولی را در هیأت دولت تصویب کردیم که کل اعتبارات به این ترتیب تقسیم بشود: ۱۹٪ بخش کشاورزی،

لازم است که این ضوابط باشد.

مهندس مرتضی الویری، معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

بدیهی است تغییر نرخ ارز و نیاز به تأمین یکباره مقادیر ریالی بیشتر، عدم آمادگی سیستم بانکی و نداشتن برنامه خاص برای مقابله با آن می‌تواند یکی از مشکلات کنونی کارخانجات باشد. از طرف دیگر با توجه به نداشتن کیفیت مناسب و عدم توانایی در مقابله فنی و قیمتی با اجناس وارداتی، طبیعی خواهد بود که تولیدات داخلی از جاذبه کمتری برخوردار باشند. در اینجا باید بین تولیدات مختلف هم تفاوت قائل شد. بدان معنی که فرضاً تولیدات فلزی مانند کالاهای مصرفی که فوقاً اشاره شد از نظر عدم جذب مشکل نداشته و با کالای خارجی کاملاً رقابت می‌کنند و این خود مثالی از یک تولید مناسب است. اگرچه شرایط بین‌المللی در دو سال اخیر برای فلزات به حدی بحران ایجاد کرده است که مثلاً آمریکا تعرفه ۵۶ درصدی روی فولاد می‌بندد.

آقای حسین ناجی معاون صنعتی و بهره‌برداری وزارت صنایع:

باید عرض کنم که سیاستهای اقتصادی و ارزی هیچ سالی ثابت نبوده و نتوانسته

\* آقای نوروززاده عضو کمیسیون صنایع و معادن: صنایع ما اگر نتوانند صادرات داشته باشند، نمی‌توانند در درازمدت به بقای خود ادامه دهند.

اعتبارات بیشتری به کل کشور اختصاص داده شود و این حداکثر توان ماست. ما در این نسبت‌ها عمل می‌کنیم. این وظیفه ما آن چیزی است که به ما ابلاغ شده و همان را هم عمل می‌کنیم. و این که چقدر سقف نقدینگی هم باشد، در همان حد ابلاغ می‌کنیم.

در جمع‌بندی باید در مورد اعتبارات بگویم که ما به اندازه کافی اعتبار داده‌ایم و حتی بیش از مقدار پیش‌بینی شده در برنامه هم داده‌ایم. هیچ‌گونه کمبودی هم در این مورد نیست. در مورد ارز هم علت کمبود ارز صنایع را باید از جای دیگر بپرسید، ما ۳۵٪ کل ارزی که طی این چند سال مصرف کرده‌ایم به صنعت دادیم. به نظر می‌رسد که اولویت‌بندی ارز صنعتی هم با ما نیست. این که گفته می‌شود بانک مرکزی روی بعضی از واحدها سخت‌گیری می‌کند، این اولویت‌بندی‌ها را باید در بحث دیگری دید یعنی در خود وزارتخانه صنعتی. مجوز این ارزهایی که ما تخصیص دادیم، تماماً تبصره‌های بودجه و قوانین بودجه سنواتی است. اما در مورد وثیقه هم باید بگویم که این مسأله طبق ضوابط استاندارد است و

در حال حاضر فقط به خاطر نبود مدیریت و عدم تربیت و آمادگی مدیران برای روبرو شدن با چنین وضعیتی در صنعت است. شاهد این مدعا نیز آنکه فرضاً فلان کارخانه لوازم خانگی در حال ورشکستگی صددرصد است و نمی تواند حقوق کارگزارانش را تأمین کند و یا حتی ماهها به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است، اما در همان شهر کارخانه دیگری وجود دارد که بسیار هم موفق و سودده است. اگر این مسأله را دقیقاً پیگیری کنیم کاملاً متوجه می شویم که مشکل مربوط به مدیریت است. طی این سالها مسأله ای به نام «فروش» و «بازاریابی برای فروش» معنا نداشته است. چون هرچه تولید می شد، می خریدند. و اصلاً بسیاری واحدها به مدیر احتیاج نداشتند. درصنعت برای تولید در حد ۵۰ یا ۶۰ درصد ظرفیت، اصلاً به کار مدیر نیاز نیست. از آن به بعد است که کار به تدریج سخت می شود و به مدیر نیاز پیدا می کند. البته مشکل فراوان است، اگر دولت می خواهد که دروازه ها را تا حدی باز کند حتماً بایستی برای صنایع کشور امکاناتی قرار دهد که بتوانند با شرایط جدید ادامه حیات دهند. این مشکل یک شبه برطرف نخواهد شد. باید به صنعت داخلی کمک

تضمینی را به تولیدکننده بدهد. به طور متناوب یک مدتی ارز تزریق شد و یک مدت قطع شد، دومرتبه تزریق شد، باز دو مرتبه قطع شد. این مسأله اصلاً نقش مدیریت را لوث کرده است. هر زمانی که ارز در اختیار مدیر قرار گرفته، او رفته و انبارش را پر کرده است و این ایراد ناشی از عدم تأمین و عدم تضمین واردات برای کارخانجات و تولیدات است. سیر نزولی موجودی انبارها از اول سال ۷۰ شروع شد و این سیر نزولی الان اکثر تولیدات را دربر گرفته است. یعنی ما هم اعتقادمان این است که تا سال ۷۰ تولیدات رشد بسیار چشمگیری داشت و از اول سال ۷۱ این نزول شروع شده است. یکی از مشکلات واردات است. کالاهای ساخته شده و اقلام مصرفی را در بازار می بینیم. در بازار اقلام تولید شده و اقلام خارجی مخصوصاً اتومبیل و خودرو فراوان است و طبیعی است که اینها از گمرک رد شده و آمار گمرک را متورم نشان می دهد.

«آقای ناجی، معاون صنعتی وزارت صنایع؛ سیاستهای اقتصادی و ارزی، در هیچ سالی ثابت نبوده و نتوانسته به تولیدکننده تضمین بدهد.»

آقای محمد ضرابیه رئیس هیأت مدیره شرکت های، پلاستیران، یزدبافت، شیشه همدان، برک و رنگین:  
به اعتقاد من مشکلات کنونی صنعت

است. چرا، چون رشد این کشورها بیشتر از ما بوده است. ولی ما متوقف شده بودیم و دلیل آن نیز این بود که احتیاج نداشتیم که تولید خود را با دیگران مقایسه کنیم. ارز می‌گرفتیم و ماشین‌آلات هم می‌آوردیم ولی بهره‌برداری صحیح نمی‌کردیم و متأسفانه هنوز هم در صنعت نساجی وضع همین‌طور است.

مشکل دیگر این است که سرمایه‌گذاری تا به حال بر مبنای ارز هفت تومانی بوده و حالا یک مرتبه نرخ ارز ۱۶۰ تومان شده است، اما سرمایه با همین ضریب بالا ترفته و نمی‌تواند هم برود. پس نتیجتاً بانکها باید بیشتر از آن حد نرمال و شرایط معمولی به صنعت کمک کنند. ولی بانکها هم برای کمک به کارخانه نگاه می‌کنند که اداره‌اش به دست چه کسی است و چقدر می‌تواند به آن مدیر در سودآوری کارخانه اعتماد کنند. بانک یک مؤسسه اقتصادی است و بازگشت پول برایش خیلی مهم است. هرچند که بخشنامه بکنند و دستور هم بدهند اما بانکها پول را به جایی می‌دهند که پولشان برگردد. در حال حاضر وضع نقدینگی بازرگانان ما خوب است، بانکها باید به سمت صنعت و کشاورزی جهت بگیرند و مدیران صنعت و کشاورزی هم باید از خودشان مدیریت و عرضه کار اقتصادی و با بازده نشان بدهند تا بانکها هم متمایل بشوند.

کرد تا بتواند در مقابل کشورهای در حال توسعه و کشورهای آزاد موفق شود.

به اعتقاد من قبل از هر چیزی بایستی به مدیر و مدیریت و تربیت مدیر بها بدهیم، به مدیر اختیار بدهیم و در مقابل از او مسئولیت بخواهیم.

در مورد مسأله واردات باید گفت که اگر صنعت ما رقیب نداشته باشد باز به همان وضعی که قبلاً داشته باز می‌گردد. صنعت داخلی حتماً به رقیب احتیاج دارد، اما باید کمکش کرد. دروازه‌ها باید باز باشد، اما حقوق و عوارض گمرکی را طوری تعیین کنیم که صنعت داخلی تلاش کند و بتواند حداقل به یک قدمی تولید خارجی برسد و جلو برود یا این که رقیبش ۵ یا ۱۰ قدم جلوتر از او یعنی گرانتر از او باشد. و صنعت داخلی برای رسیدن به رقیبش که مرغوبتر است سعی کند و بداند وقتی که به او می‌رسد، می‌تواند گرانتر هم باشد. یعنی حقوق و عوارض گمرکی طوری نباشد که تولید خارجی ارزانتر از تولید داخلی فروخته بشود.

سال گذشته صنایع پارچه‌بافی ما لطمه بسیار بزرگی خورد. برای این که بدون توجه و یک مقدار هم از هند، پاکستان و چین از طریق قاچاق، پارچه وارد شد. قیمت تمام شده پارچه در این کشورها از ایران پائین‌تر

سؤال ۲ - صنعت طی این سالها ۳۴ میلیارد دلار هزینه نموده و اضافه مصرفی حدود ۱۰ میلیارد دلار داشته است. این اضافه مصارف لاجرم بر تعهدات خارجی سنگینی می‌کند. چه باید کرد که صنعت از حالت کنونی بیرون بیاید و به نظر شما چرا این رقم‌ها نتوانسته در اصلاح ساختار بخش صنعت مؤثر باشد؟

آقای دکتر نوربخش معاون اقتصادی رئیس جمهوری:

صنعت سی و چند میلیارد دلار مصرف کرده است، یعنی خیلی بیش از سهمیه. بنابراین اگر اعتبارات با مشکل برخورد می‌کند، برمی‌گردد به اضافه مصارف. ما باید با کنترل ریال یک مقدار ارز را کنترل کنیم. آقایان می‌گویند همچون سالهای ۶۷، ۶۸، ۶۹ و ۷۰، ارز را بدهید برود. اما مملکت دیگر توان اینگونه پرداخت ارز را ندارد. حالا از نظر سیاسی و بین‌المللی حداقل این را دنیا باور کرده ولی ما خواهش می‌کنیم که شما دوستان هم باور کنید که فشار بین‌المللی شدیدی از نظر مالی روی ما وارد می‌شود. آمریکا اعلام کرده که از نظر مالی می‌خواهیم روی ایران فشار بیاوریم. شما اگر از آقای آقازاده در مورد فروش نفت و تفاوت آن با قبل سؤال کنید متوجه این فشار می‌شوید.

ما برای نقدینگی می‌توانیم در واقع سیکل مواد اولیه تولید را تنظیم کنیم آن وقت ببینیم مشکل نقدینگی به کجا برمی‌گردد.

می‌گویند رکود هست. و الان مواد اولیه

موجود نیست که کارخانه بتواند تولید خودش را ادامه بدهد. اما باید نگاه کنیم به آمار موجودی انبار به قیمت‌های ثابت. در گزارش تولیدات درآمدهای حسابهای بانک مرکزی در سال ۶۸ موجودی انبار ۲۸۸ بوده یعنی ما فقط میزان کمی کالا گرفتیم و اثر قیمت را خنثی کردیم. در سال ۶۹ موجودی انبار رسیده به ۵۴۹ میلیارد ریال، در سال ۷۰ این رقم به ۱۴۵۵ میلیارد رسیده و در سال ۷۱ از ۱۵۰۰ میلیارد ریال هم بیشتر است. یعنی موجودی انبار در سال ۷۰ نسبت به سال ۶۹ سه برابر شده است. سؤال این است که آیا دقیقاً به این علت که موجودی مواد اولیه مصرف شده و کالا هم در کارخانه وجود ندارد، مسأله کمیبود نقدینگی برای سفارش بعدی مطرح است یا اینکه آن چه که سفارش داده شده یا به صورت تولیدات یا به صورت مواد اولیه در کارخانه باقی مانده است؟ آمار اقتصاد کلان ما نشان می‌دهد که موجودی انبار نسبت به سال ۶۸ بیش از ۶ برابر و نسبت به سال ۶۹ بیش از ۳ برابر شده است. بنابراین این سوال بطور جدی مطرح است که ما چقدر در جریان تعدیل اقتصادی در رابطه با



\* دکتر عادل رئیس کل بانک مرکزی: سؤال من از بخش صنعت آن است که آیا مأموریتش این است که همیشه باری بر دوش کشور باشد؟ باید در صنعت تغییر ساختار ایجاد کنیم تا صنایعی که توجیه اقتصادی ندارند و ارزآور نیستند، کنار بروند.

آقای سلیمانی عضو کمیسیون صنایع و معادن:

به نظر می‌رسد همان کمیود اطلاعات و آماری که در همه زمینه‌ها وجود دارد در اعلام میزان مصرف ارز سی و چند میلیارد دلار هم بروز نموده است. این رقم نمی‌تواند صحیح باشد. انشاءالله قرار است بانک مرکزی برای هر بخش آنرا به تفکیک اعلام نماید. معهداً بنظر اینجانب از آنجا که مسئولین ذیربط تصمیم داشته‌اند هم در زمینه توسعه صنعتی و هم در زمینه اصلاح ساختار واحدهای صنعتی توأمأ اقدام نمایند، به علت وجود مشکلات عدیده موفق نبوده‌اند. ولی باید در مرحله اول نسبت به اصلاح ساختار واحدهای صنعتی اقدام می‌کردند.

آقای علی مبینی دهکردی عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

صنعت کشور اضافه مصرفی حدود سی و چند میلیارد دلار داشته و نه ۱۰ میلیارد دلار! چون بابت ۲۰ میلیارد دلاری هم که گرفته چیزی برگشت نداده است! هر بخش تولیدی کشور که تعهدی ایجاد نماید و از محل تولیدات خود نتواند تعهداتش را پرداخت کند، نمی‌تواند در چرخه اقتصادی کشور باقی بماند. مگر اینکه مرتباً با پرداخت سوبسید به طور مستقیم و غیرمستقیم از تبصره‌های ارزی و ریالی و بخشودگی‌های مالیاتی و غیره استفاده

میزان موجودی‌ها اقتصادی فکر کردیم و موجودی انبار را با این سیستم و با سیاستهای جدید چقدر متناسب کرده‌ایم؟ آیا هنوز هم براساس همان روشهای گذشته عمل می‌شود؟ من معتقدم بله. در این قسمت مسأله، در کارخانه‌ها هیچ تحولی پیدا نشده است و بنابراین چون نمی‌تواند بسفروشد، با انباشتگی تولیدات روبرو می‌شود. یا ممکن است سطح جدیدی از تقاضا مطرح باشد. آیا ما این تقاضای جدید را مدنظر قرار می‌دهیم و خودمان را تنظیم می‌کنیم؟ من فکر نمی‌کنم مدیری در کارخانه ما خودش را با این تقاضای جدید تنظیم کرده باشد.

پیشنهاد این است که اگر واقعاً مشکل نقدینگی وجود دارد باید به آن پرداخته بشود و حل بشود منتها این واقعاً باید شکافته بشود که این کمیود نقدینگی ناشی از کدام یک از این عوامل است و بعد از شناسایی عامل، آن وقت عمل کنیم.

آقای نوروززاده عضو کمیسیون صنایع و معادن:

هر صنعتی به هر حال یک ورودی دارد و یک خروجی. ورودی اش مواد اولیه و خروجی اش هم محصول تمام شده است. کشورهای جهان سوم هرچه بتوانند ورودی‌ها را بیشتر از منابع داخلی خودشان تأمین بکنند، وابستگی شان به خارج کمتر است. مضافاً اینکه ایجاد اشتغال مولد را هم در کشورشان دارند.

آن چه در طول چند سال گذشته در صنایع ما در خصوص اضافه مصرف ارز اتفاق افتاده طبیعی است. اما این ارز عملاً بیشتر صرف خرید مواد اولیه شده تا صرف سرمایه‌گذاری خصوصاً سرمایه‌گذاری زیربنایی. به عنوان مثال الان در بخش نساجی که صنعت قدیمی کشور است ما به الیاف مصنوعی نیاز داریم، الیاف مصنوعی هم برمی‌گردد به سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی. یعنی پتروشیمی یکی از صنایعی است که می‌تواند مواد مورد نیاز بخش صنعت را تأمین بکند. در بخش

نماید. لذا امروز چه کسانی از مسئولین صنعتی کشور پاسخگوی دریافتهای ریالی و ارزی هستند و در مقابل آن چه کالای تولیدی که ارزش ریالی و ارزی مشابه در بازار جهانی داشته باشد می‌توانند عرضه کنند؟

به نظر می‌رسد صنعت در برنامه دوم باید به طور اساسی و زیربنایی و با حساب و کتاب و ارزیابی صحیح تکلیف خود را روشن کند که آیا کالاهای تولیدی با همان قیمت حداکثر می‌باید تولید شوند و هزینه تمام شده معقول است یا باید تاوان بی‌تدبیری و ناتوانی دولت و نداشتن برنامه زمانی برای تولید متناسب با مصرف را مصرف‌کننده بدهد و آن وقت همه معترض واردات باشیم تا از این طریق هم با ایجاد انحصار کامل بتوانند به منافع سرشاری برسند؟ بنابراین صرف سرمایه‌ها در صنایع مصرفی عمده‌ترین مشکل هزینه‌های بخش صنعت بوده و با اصلاح ساختار صنعتی، واگذاری به بخش غیردولتی (تعاونی و خصوصی) و بالابردن دانش نرم‌افزاری، مهارت نیروی کار و کیفیت بخشیدن به نوع تولیدات، ممکن است بتوان راهی برای نجات از این مشکل همیشگی در اقتصاد ملی یافت.

\* دکتر نوربخش معاون اقتصادی رئیس جمهوری: توان بانکها، اعطای ۵ هزار میلیارد ریال تسهیلات بانکی برای بخش خصوصی است و این به معنای ۲۵٪ رشد نقدینگی و ۲۵٪ تورم است. هرچقدر این رقم بیشتر شود، نرخ تورم هم بیشتر می‌شود.

صنعت سنگین اگر دقت شود مشخص است که ما امکان تولید فولاد خام را داریم. اما واحدهایی نظیر ماشین‌سازی اراک، آذربای و خودروسازی‌های مملکت به حلقه مفقوده‌ای به نسام فولادهای آلیاژی و فولادهای مخصوص نیاز دارند. و این ما را وادار می‌کند که خودرو را به صورت تمام شده وارد کنیم و تحویل ملت بدهیم که این خیلی ضرر است. ما طی چند سال گذشته روی این حلقه‌های مفقوده کار نکردیم و به آنها بهای لازم ندادیم. یعنی این ۳۴ میلیارد دلار که صرف شده عملاً صرف خرید مواد اولیه شده است. ولی کمتر به سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی پرداخته شده است. پیشنهاد مشخص ما این است که در برنامه ۵ ساله دوم به گونه‌ای سیاست‌گذاری کشور که وقتی ارزی به بخش صنعت تخصیص داده می‌شود - که البته در قالب ریال تخصیص می‌یابد - سیاست‌گذاری به گونه‌ای باشد که بتوانیم بیشتر مواد واسطه‌ای تولید بکنیم. تولید این مواد واسطه‌ای وابستگی ما را به خارج کاهش می‌دهد. اگر خودمان این مواد را تولید بکنیم، می‌توانیم از طریق مابه‌التفاوت ارزی که قبلاً به خارج می‌دادیم، بدهی‌های عقب افتاده‌مان را بپردازیم ضمن این که به خودکفایی هم می‌رسیم و صنعت‌مان هم شکوفا خواهد شد.

آقای مهندس مرتضی نبوی عضو کمیسیون

امور اقتصادی و دارایی مجلس:  
مسئله‌ای که باید حل شود و کمیسیون صنایع مجلس انشاءالله باید در حل آن کمک بکند، این است که بخش صنعت که بیش از ۳۰ میلیارد دلار گرفته چگونه آن را هزینه کرده است؟ چه مقدارش سرمایه‌گذاری شده که انشاءالله به تولید تبدیل می‌شود و ارزش افزوده خواهد داشت؟ و چه مقدار آن صرف مسائل مصرفی شده است؟ ما مؤکداً لیست دقیقی و ریز مصرف ارز صنایع را خواستاریم.

آقای دکتر عادل رئیس کل بانک مرکزی:  
البته جای بسی خوشحالی است که امسال دعوا سر ریال است. تا سال ۶۸ وضعیت مدیریت مالی شرکت‌های ما، دولتی یا خصوصی - خصوصاً بخش دولتی - این بود که انواع نارسائی‌های مدیریتی خودشان را با پول پر کنند. مدیریت مالی درسازمانهای ما قشطل است. زمانی که حفره‌ها و مشکلات را می‌خواستیم فقط با پول پرکنیم، گذشته. نباید همه مسائل و همه بحث نقدینگی را متوجه این بدانیم که باید وام گرفته شود. من قبول دارم که صنعت، بازرگانی و بخش‌های اقتصادی باید با پولهای مردم با پولهای بانک و با وام گرفتن بچرخد، اما نه اینکه ۹۰٪ یا ۱۰۰٪ آن وام باشد. آقایان خواستار این هستند که ۱۰۰٪ کارشان از این محل بچرخد.

مسئله دیگر اینست که مگر نباید ما

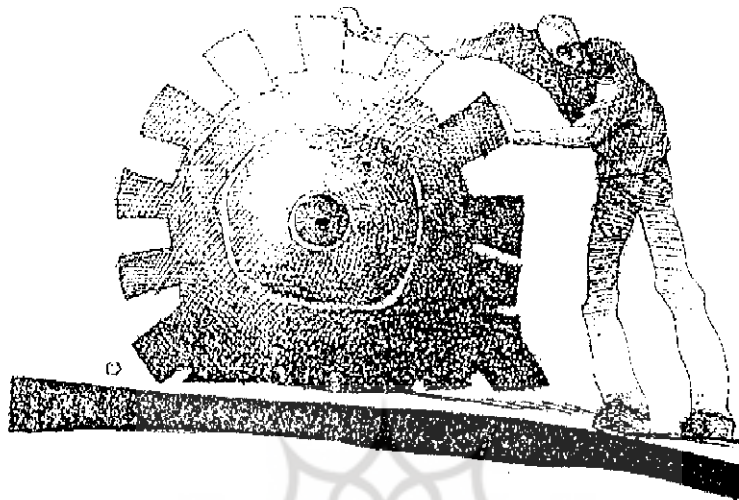
شناساورد کسینیم ولی هیچگونه تغییری در تقاضای ارز ندهیم به جایی می‌رسیم که دیگر ارز نخواهیم داشت. اگر ما ارزی داشتیم خیلی خوب بود که هرکس بیايد با ۵ یا ۱۰ یا ۲۰٪ قیمت، گشایش اعتبار بکند. مدیران ما بسايد با این وضع مدارا کنند و در چارچوب آن برنامه‌ریزی کنند. مدیریت این نیست که آدم با منابع ارزی بی‌اتفاق کار کند. مدیریت این است که در چارچوب محدودیت‌هایی که وجود دارد، ببینیم چکار می‌توانیم بکنیم که منابع خود را بهینه‌تر تخصیص بدهیم.

مهندس مرتضی الویری، معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

باید اقرار کرد که درصد کمی از حجم ۲۴ میلیارد دلار مورد نظر، صرف سرمایه‌گذاری شده است و با تزریق دلار ۷۰ ریالی و سپس رقابتی، مطالعه فنی و اقتصادی طرحها دیگر مفهومی نداشته و بسیاری از رشته‌های صنعت چه از نظر نوع رشته تولیدی و چه از نظر نحوه احداث و هزینه و حتی از نظر توان فنی سرمایه‌گذاران صنعتی نامناسب بوده است. هم‌اکنون با تک‌ترخی شدن ارز اینگونه واحدها ناچار هستند یا متوقف شده و یا برای اقتصادی شدن، تغییر تولید و تغییر ساختار بدهند. بکارگیری شیوه‌های نوین مدیریت و استفاده از مهندسين با تجربه نکته دیگری است که متأسفانه در بسیاری از واحدهای تولیدی بهای لازم به آن داده نشده است. بایستی خصوصی‌سازی را در صنعت

تغییر ساختار صنعتی بدهیم؟ کی قرار است با این مشکل روبرو شویم؟ ساختار اقتصادی و صنعتی ما وابسته است و معنای آن مگر نه این است که چند تا از این کارخانه‌ها باید تغییر ماهیت بدهند و به کارخانجات و رشته‌های جدید تبدیل شوند؟ چه برنامه‌ریزی برای این کار کرده‌اند؟ باید بشینند، برنامه‌ریزی بکنند. صنایع میرا و صنایع بدر دَن‌خور ما به تدریج باید با صنایعی که نداریم عوض و جایگزین بشوند. اگر الان ما با تغییر ساختار صنعتی روبرو نشویم، ضرورتاً در زمان دیگری روبرو خواهیم شد و لازم است که آقایان برای انتقال عوامل تولید از بخش‌های موجود به بخش‌های جدید که دارای مزیت نسبی است، برنامه‌ریزی کنند.

نکته دیگر اینکه آقایان می‌گویند که شما برای ما با ۵٪ و ۱۰٪ قیمت گشایش اعتبار کنید. اگر قرار باشد ما همین طوری گشایش اعتبار کنیم و اعتبارات ۲۰ یا ۳۰ یا ۴۰ میلیاردی بدهیم باز همان صنعت سابق مطرح خواهد شد. یعنی شما مگر وقتی که ارز را شناساورد می‌کنید، برای این نیست که میزان تقاضا را کنترل کنید؟ یکی از اهداف، تخصیص بهینه و باصطلاح جبران کسری تراز پرداختها و کاهش تقاضاست. اگر ارز را



پسروژه‌ای ۳۰ میلیون دلار ارز ۷ تومانی تخصیص داده‌اند که این ۳۰ میلیون دلار قسمتی از هزینه این پروژه بوده اما دیگر به او ارز ندادند. بعد گفتند بقیه را ارز صادراتی با نرخ ۳۵ تومان می‌دهیم، اما صاحب پروژه مشکل داشته و نمی‌خواسته است زیر بار ارز ۳۵ تومانی برود ولی بعد گفتند نرخ، ۶۰ تومان است. دوباره برای ۶۰ تومان چانه می‌زده که نرخ کمتری با او حساب شود که یک باره ۱۶۰ تومان شده است و نتیجتاً پروژه به طور کامل خوابیده است. چرا که صاحب پروژه تمام پولی که بابت ۳۰ میلیون دلار ارز پرداخته ۳۰۰ میلیون تومان بوده و حالا باید پولی که برای ۲ میلیون دلار پردازده، از ۳۰۰ میلیون تومان هم بیشتر می‌شود و این توجیه اقتصادی پروژه را به

جدی گرفت که در این راستا الزاماً تکنولوژی و مدیریت مدرن برای کسب سود بیشتر بکار گرفته خواهد شد.

آقای ضرابیه رئیس هیأت مدیره شرکت پلاستیران:

از پولهایی که هزینه شده و دلارهایی که به عنوان ماشین‌آلات یا تکنولوژی یا... عرضه شده و به مملکت آمده، بهره‌برداری مطلوب نشده است. پروژه‌هایی وجود دارد که با رقم‌های بالای دهها میلیون دلار ارز، ترخیص شده اما پنج سال یا شش سال است که به خاطر دو میلیون دلار باقیمانده ارز تخصیصی، متوقف است. فرضاً به یک

بدهد. البته برای سرمایه‌گذاری باید راههای کنترل هم بگذارند که از بین نرود.

حالا اگر نمی‌توانند ارز ۷ تومانی یا ۶۰ تومانی به صنعت بدهند، بانک باید کمک کند و پول کم‌بهره‌تر به صاحبان صنایع بدهد. فرضاً فلان کارخانه‌دار الان حاضر است برای ۲ میلیون دلار تتمه پروژه ۳۲ میلیون دلاری‌اش، ارز ۱۶۰ تومانی هم بخرد، ولی پول ندارد. برای این قبیل صنایع باید اولویت قائل بشوند که زود به مرحله بهره‌برداری برسد. به نظر من آن قدر ماشین‌آلات در مملکت در تمام رشته‌ها هست که به ماشین‌آلات جدید لازم نیست.

هم می‌زنند. این ارزی که پروژه به ماشین‌آلات شده و به مملکت وارد شده، الان خوابیده و از آن بهره‌برداری نمی‌شود. وزارت صنایع و شعبات تابعه آن دراستانها بایستی موظف بشوند و برای راه‌اندازی این صنایع اقدام کنند.

مسئله دیگر اینکه شرایط سرمایه‌گذاری در صنعت باید به سرمایه‌گذار اطمینان

سؤال ۳- اگرچه صنایع سنگین طی این سالها تحولات ساختاری بسیار خوبی داشته ولی صنایع واسطه‌ای و (بویژه) مصرفی به نسبتی که ارز گرفته‌اند دچار تحول ساختاری نشده‌اند (طبق برنامه اول قرار بوده که صنایع مصرفی ۵/۲ درصد رشد داشته باشند، عملاً صنایع مصرفی ۱۴/۲ درصد رشد داشته‌اند) به نظر شما درست بوده که منابع دولتی مان طی این سالها با این حجم سنگین در صنایع مصرفی هزینه بشود؟

صنایع مصرفی در جامعه است که متأسفانه بجای اینکه این مصرف و نیاز تعدیل شود، با روشهای مختلف از قبیل آگهیهای تبلیغاتی، مصاحبه‌ها و... به آن دامن زده می‌شود. گذشته از آن عدم توسعه صنایع اساسی و سرمایه‌ای که کشور را در میان مدت و بلندمدت به خودکفائی می‌رساند، تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست و حرکت نکردن به سمت آن امری اشتباه بحساب می‌آید.

آقای سلیمانی عضو کمیسیون صنایع و معادن:

بنظر می‌رسد گرچه تحولات ساختاری صنایع سنگین بهتر از بقیه صنایع بوده ولی با مقایسه همه جانبه آن با مدل‌های موفق و شناخت نقاط ضعف، این تحولات، «خیلی خوب» نبوده بلکه «نسبتاً خوب» بوده یا بهتر بگوئیم «روبه بهبود» است. و این یکی از توجیحات اشتباه در زمینه رشد بی‌رویه

تعیین شده نرسیده‌اند که این خود به اندازه مورد قبل مایه نگرانی است. بنابراین ممکن است یک فرد مسئول، مدیر خوبی برای کار عملیاتی در کارخانه و یا کارگاه بزرگی باشد، ولی مدیر موفقی برای سیاستگذاری جهت رسیدن به اهداف کیفی برنامه نباشد. در این خصوص جای بحث، بررسی، تأمل و تدبیر بیشتری است.

به نظر اینجانب صرف منابع دولتی توسط عده‌ای به نام سرمایه‌گذاری بدون مدنظر داشتن توانایی، مدیریت و قابلیت آنان و صدور موافقت‌نامه‌های بی‌حساب و کتاب باعث هدر رفتن منابع شده و هم‌اکنون حدود ۳۰۰ هکتار سوله مسقف و بدون ماشین‌آلات در سراسر کشور داریم که اگر بررسی کارشناسی دقیقی صورت پذیرد بسیاری از پروژه‌های ساختمانی و عمرانی کشور که در زمان مناسب به بهره‌برداری نرسیده‌اند، تحت تأثیر روشهایی اینگونه در بخش صنعت بوده‌اند، چراکه امکانات ما در مجموع، محدود است.

آقای نوروززاده عضو کمیسیون صنایع و معادن:

تمام کشورهایایی که رشد کردند، کشورهایایی هستند که به صنایع زیربنایی‌شان بها داده‌اند و صنعت سنگین در این زمینه می‌تواند نقش اساسی داشته باشد. اصولاً در هر کشوری رشد با یک مثلث که دارای سه رأس سخت‌افزار،

\* آقای علی مبینی عضو کمیسیون برنامه و بودجه: علت عدم دستیابی به نتیجه مطلوب در صنایع واسطه‌ای و مصرفی که متولی آن وزارت صنایع است، آن است که برنامه مشخصی دنبال نمی‌شده است.

آقای علی مبینی دهم‌کردی عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

صنایع سنگین دارای تحولات نسبتاً خوبی بوده ولی دلایل این تحولات چه هست؟ صنایع سنگین در برنامه تحول ساختاری بوده و می‌باید مسئولین، اطلاعات حقیقی موجود را صادقانه در اختیار مجلس و جامعه قرار دهند. تا این تحولات را همگان در قالب اعداد و ارقام ملاحظه کنند و از تجارب آن استفاده بشود. در ارتباط با صنایع واسطه‌ای و صنایع مصرفی که متولی آن وزارت صنایع است نتیجه مطلوب حاصل نشده است. و این به آن علت است که برنامه مشخصی را دنبال نمی‌کردند، هرکس در هر گوشه‌ای از مملکت که آمده و طرحی را ارائه کرده که در کشور بدان نیازمند بوده، به او موافقت دادند و ارز مملکت را هم در اختیارش گذاشتند و اکنون با رشد بیشتر از حد صنایع مصرفی مواجه شدند که این خود نشان دهنده عملکرد ناصحیح مسئولین ذیربط است. صنایع واسطه‌ای هم به خیلی اهداف

مثال ما از نظر احداث صنایع جنبی کشاورزی واقعاً مشکل علمی نداریم اما در مواد اولیه‌اش که فولادهای مخصوص است دچار مشکلیم. فولاد کیلوثی ۳۰ سنت را، ما باید بالای یک دلار و بعضاً تا چند دلار بخریم. نتیجه این خواهد شد که سرمایه‌گذاری گران تمام می‌شود و صنایع جنبی بخش کشاورزی بهره‌وری خود را از دست داده و سودآور نخواهند بود. لذا اگر ما به صنایع زیربنایی و صنایع واسطه‌ای بها بدهیم صنایع مصرفی هم که برای جامعه لازم است، خود به خود رشد خواهد کرد. ما نمی‌توانیم به ملت بگوییم که پوشاک نداشته باشید، یا فرضاً امکانات رفاهی مثل یخچال و تلویزیون و امثالهم نداشته باشید، منتها باید ساختار صنعتی مملکت را به گونه‌ای سازمان بدهیم که اگر در بخش یخچال‌سازی توسعه پیدا می‌کنیم، ورق موردنیازش را هم بتوانیم تأمین کنیم. البته در این زمینه سرمایه‌گذاری صورت گرفته اما همان طوری که نرخ رشد صنایع مصرفی نشان می‌دهد سیاست‌گذاری اعمال شده خوب نبوده است. متأسفانه بانک مرکزی هم در تخصیص ارز اصلاً مراعات نکرده است. یعنی بانک مرکزی هنگامی که سهمیه

نرم‌افزار و توانایی‌های انسانی است، سنجیده می‌شود. تحولات خوب صنعت سنگین در سالهای اخیر نه به لحاظ سرمایه‌گذارهای زیربنایی در این زمینه است، که متأسفانه در این مقوله توفیق خوبی نداشته، اما بدان لحاظ است که صنعت سنگین به بخش نرم‌افزاری و افزایش بهره‌وری و بالا بردن توانایی‌های انسانی بیشتر بها داده است. دو رأس مثلث رشد برمی‌گردد به سیستم نرم‌افزاری و توانایی‌های انسانی که وزارت صنایع سنگین با ایجاد دفاتر فنی و مهندسی و طراحی در واقع در ارتقای علمی و توانایی‌های انسانی و یا در افزایش بهره‌وری تلاش خوبی داشته است. اما اگر ما نتوانیم از تمام ظرفیت سخت‌افزار یک ماشین استفاده کنیم در واقع آن ماشین نتوانسته مورد استفاده قرار بگیرد و در واقع ما به انباری از محصولات متنوع و ماشین‌آلات گوناگون که امکان استفاده از آنها نیز برایمان کم است، تبدیل شده‌ایم. بخش صنعت سنگین در این زمینه تلاش خیلی خوبی داشته اما در صنایع واسطه‌ای توفیق خوبی نداشتیم.

از سوی دیگر ما کشوری هستیم که پتانسیل‌های بسیار خوبی داریم به عنوان

♦ دکتر نوربخش، معاون اقتصادی رئیس جمهوری: بخشی از مشکل عدم فروش کارخانجات به خاطر آن است که نتوانسته‌اند با کالاهای خارجی وارد شده رقابت کنند.



به سیاستگذاران نظام در مجلس، دولت و عوامل اجرایی مثل بانک مرکزی که توجه داشته باشند که نتیجه وضع یک قانون در قالب برنامه به این صورتی که الان هست، نشود.

مهندس مرتضی الویری، معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

طبق مفاد برنامه ۵ ساله اول صنایع سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی می‌بایستی به ترتیب ۲۴ و ۲۰ و ۴/۲ درصد رشد نمایند.

انگیزه اتخاذ چنین سیاستی اصلاح ساختار صنعت در زمینه تکمیل حلقه‌های مفقوده و توسعه صادرات بوده است، متأسفانه آنچه که اتفاق افتاد رشد بیش از برنامه صنایع مصرفی بوده که نتیجه‌اش اشباع بازار داخلی و رکود کارخانجات مولد صنایع مصرفی است. چرا که برای این قبیل کالاها متأسفانه بازار خارجی نیز وجود ندارد.

ارزی را در بخش صنعت به وزارت صنایع یا صنایع سنگین یا معادن و فلزات به عنوان سهمیه مصوب پرداخت می‌کرد، لازم بود که ارز مربوط به خرید مواد اولیه یا ارز مخصوص خرید ماشین‌آلات و... را به تفکیک مشخص می‌کرد. اینها کدهای مشخص خودش را دارد و بانک مرکزی می‌باید اینها را فصل‌بندی می‌کرد و متناسب با رشدی که در برنامه ۵ ساله پیش‌بینی شده تخصیص می‌داد. مثلاً وزارت صنایع سنگین اگر ۸۰۰ میلیون دلار سهمیه ارزی در طول یکسال داشت، بانک مرکزی باید این ۸۰۰ میلیون دلار را طبق یک فهرستی ریز می‌کرد و بر نحوه هزینه کردن آن کنترل می‌نمود. اصولاً جاذبه صنایع مصرفی خیلی زیاد است و این بدان خاطر است که در کوتاه مدت به نتیجه می‌رسد، اما صنایع زیربنایی به دلیل اینکه در درازمدت به نتیجه می‌رسد و مشکلات خاص خودش را دارد، جاذبه کمتری هم برای سرمایه‌گذاری دارد. اما این برمی‌گردد

سؤال ۴- موانع سازمانی و غیبت یکپارچگی در سیاستگذاری صنعتی و تعدد وزارتخانه‌های صنعتی در بروز اشکال فوق‌الذکر چقدر مؤثر بوده است؟

باتوجه به خصوصیات صنایع، موانع سازمانی و تعدد وزارتخانه‌های صنعتی، عدم سیاستگذاری همگن و مشترک

آقای سلیمانی عضو کمیسیون صنایع و معادن:

مشکل داریم. اگر انسانهای تحصیلکرده، ماهر، باتجربه و استادکار و فنی در تمامی کشور شناسائی شوند و به صورت ارگانیک هر یک تولیدات خود را با هم مرتبط سازند، شاید به میزان زیادی از حجم واردات کشور کاشته شود. و بسیاری قطعات، وسائل و ماشین‌آلات مورد نیاز در کشور تولید شود. و چه بسا با کیفیت بخشیدن به نیروی کار و استفاده از تجهیزات بتوانیم قوی‌تر وارد بازار خارجی بشویم و بازرگانان به جای واردات به صادرات این قبیل کالاها همت گمارند و مشکل کمبود نقدینگی و انباشت کالا را هم حل نمایند.

بنابراین تشکیلات یکپارچه و واحدی که تشکیل خواهد شد، می‌باید به کیفیت تولیدات، سازماندهی صنعتگران، استفاده مناسب از تجهیزات موجود و بازاریابی خارجی همت جدی بگمارد.

آقای نوروززاده عضو کمیسیون صنایع و معادن:

یکی از مشکلات اصلی در مملکت ما نبود منابع و بانکهای اطلاعاتی است. متأسفانه هر وزارتخانه، اطلاعاتی برای خودش دارد و عملاً کشور فاقد یک بانک اطلاعاتی متمرکز است. به عبارتی هر وزارتخانه‌ای در عین حالی که دچار روزمرگی است و صرفاً برای حل مشکلات خودش تلاش می‌کند یا به عبارت دیگر «کلان مملکت» اصلاً جایی در ذهن آنها ندارد. اگر این کلان مملکت یا جامع‌نگری در وزارتخانه‌ها وجود داشته باشد، این

مسئله در آرا

می‌تواند یکی از دلایل بروز عدم توسعه صنایع اساسی و سرمایه‌ای در کشور و متقابلاً رشد صنایع واسطه‌ای و مخصوصاً صنایع مصرفی باشد. ولی دلایل متعدد دیگری هم وجود دارد. به عنوان مثال خود محوری بعضی از مدیران سطوح بالای واحدهای صنعتی و بعضی وزارتخانه‌های صنعتی یکی از این دلایل است. متأسفانه آنها به دلایل کارشناسی و علمی عنایت و توجه لازم را ندارند و به وضوح روشن است که بعضی از تصمیمات آنها نتیجه معکوس می‌دهد.

آقای علی مبینی دهکردی عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

موانع سازمانی و غیبت یکپارچگی در سیاستگذاری و تشکیلات هدایت‌کننده و ناظر هم یکی از دیگر مشکلات اساسی در بخش صنعت است که امیدواریم در آینده‌ای نه چندان دور به وحدت سیاستگذاری و یکپارچگی تشکیلات در کشور برسیم و وقت مسئولین به جای همساختگی با یکدیگر صرف برنامه‌ریزی و سیاستگذاری صحیح گردد. در بطن جامعه ما نیروهای توانا و استعدادهای درخشان بسیاری وجود دارد که در سازماندهی و استفاده از آنها

**\* مهندس الویری معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات: باید خصوصی سازی را در صنعت جدی گرفت.**

مشکلات که الان برشمرده شده، کمتر خواهد بود و یا اینکه اصلاً از بین خواهد رفت. برای اینکه مشکلات از بین برود باید سیاستگذاری واحدی داشته باشیم و حداقل سه وزارتخانه صنعتی در یکدیگر ادغام بشوند تا ستاد متمرکزی ایجاد بشود. و قطعاً چنین ستادی وظیفه خود را خیلی خوب بلد خواهد بود. ولی وقتی که ستاد یا مراکز سیاستگذاری متعدد باشد، طبیعتاً این تشتت آرا و اختلاف سلیقه‌ها هنگامی که به بدنه صنعت می‌رسد، تشدید می‌شود و نتیجه آن می‌شود که راندمان مطلوب را به دست نیاوریم. باید سه وزارتخانه صنعتی مان را در هم ادغام بکنیم حتی دیگر وزارتخانه‌های موازی را هم باید ادغام بکنیم و در این شکی نیست. اما مشکل آن است که هر یک از وزارتخانه‌های صنعتی ما چندین واحد صنعتی بزرگ به عنوان زیرمجموعه دارند و هر وزیر چرخاننده و سیاستگذار مجموعه‌ای از این‌هاست. به عنوان مثال وزارت صنایع دهها کارخانه در سازمان صنایع ملی ایران دارد و وزارت صنایع سنگین هم چندین واحد تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع

ایران.

ما باید در زمینه آماده سازی و بسترسازی برای انتقال این واحدها به بخش خصوصی تلاش کنیم تا دولت بتواند بار راز روی دوش خود بردارد و بر دوش بخش خصوصی بگذارد. البته این مسأله شروع شده ولی سرعت آن خیلی کم است. متأسفانه الان شرایط پذیرش این مسأله در جامعه مناسب نیست. باید تبلیغ و صحبت بشود تا به تدریج این کار صورت بگیرد. آن وقت می‌توان گفت که زمینه ادغام وزارتخانه‌ها آماده است. اگر بتوانیم صنایعمان را به بخش خصوصی واگذار کنیم، آن وقت می‌توانیم به طور جدی در ادغام وزارتخانه‌ها وارد بشویم و هنگامی که وزارتخانه‌ها ادغام شد، نیروهای ستادی تمرکز خواهند یافت و بالطبع سیاستگذاری بهتر خواهد شد و در نهایت با انعکاس این سیاستگذاری، بخش صنعت متحول خواهد شد.

آقای دکتر عادل رئیس کل بانک مرکزی: نکته اصلی در مورد صنعت این است که برای صنعت چه مأموریتی قائل هستیم. باید ببینیم بخش صنعت در اقتصاد کشور چکاره است. آیا ما صنعت را در کشورمان ایجاد کردیم برای این که یک مقدار کالا برای مردم تولید کند و به آنها بدهد و آنها مصرف بکنند؟ آیا ما یک مقدار ارز نفتی داریم، و این ارز را به صنعت می‌دهیم و از صنعت

آن را مصرف کننده و مسردم به دوش کشیده‌اند. واقعاً این باری که مصرف کننده و مردم به دوش کشیده، تا پس از سالهای سال بالاخره یک اتومبیل ملی داشته باشد، آیا بالاخره به این مقصود رسیده یا نرسیده؟ و آیا مأموریت صنعت این است که بالاخره برای کشور ارز آوری داشته باشد یا همچنان از ارز کشور مصرف کند؟ لذا من فکر می‌کنم که این مأموریت و هدف صنعت و مصارف کلان صنعت - چه ریالی و چه ارزی - که بر گرده مردم سنگینی کرده و می‌کند یک روزی باید حل بشود. باید تغییر ساختار بدهیم و صنایعی که توجیه اقتصادی ندارند و ارزآور نیستند، کنار بروند. بعد باید ببینیم که چکار کنیم تا این تغییر ساختار، کمترین ضربه اجتماعی را داشته باشد. این بحثی است که باید روی آن کار شود.

مهندس مرتضی الویری، معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

عدم تطابق با برنامه ارتباطی به یک یا چند وزارتخانه بودن ندارد. سیاستهای کلی صنعت بصورت مشترک معین گردیده و اعتقاد به برنامه‌ریزی - البته برنامه‌ریزی

\* دکتر عادل رییس کل بانک مرکزی: ساختار صنعتی ما وابسته است و آیا این به آن معنا نیست که بخشی از کارخانه‌هایمان باید تغییر ماهیت بدهند؟

مسئله در آرزو

کالا به دست می‌آوریم و می‌دهیم به مردم مصرف می‌کنند؟ همین تزی بود که در زمان گذشته موجب وابسته شدن ساختار اقتصادی کشور به نفت و به اصطلاح وابسته شدن صنعت ما شده بود. یعنی تصور بر این بود که ما یک مقدار ارز داریم، خوب چسرا این ارز را بدهیم و کالای ساخته شده بیاوریم؟ اگر با این ارز مواد اولیه بیاوریم یا کارخانه بیاوریم و همین جا کالا تولید بکنیم، اشتغالی هم در کشور ایجاد کرده‌ایم. در نتیجه این رابطه یک طرفه نفت، ارز، صنعت، کالا و مصرف ایجاد شد. در این رابطه هر وقت ارز بود و هست صنعت ما بسیار راضی است و خیلی ظهور پیدا می‌کند حتی «نفر اول» می‌شود و تولیداتش بالا می‌رود. اما به محض این که ارز کم می‌شود و در مضیقه قرار می‌گیرد یا این که اگر در یک شرایطی قرار می‌گیرد که بالاخره به مدیریت نیاز پیدا می‌کند، بلافاصله صدایش درمی‌آید که مشکل دارد و همه این مسائل برایش مطرح می‌شود. سئوالی که من از بخش صنعت دارم این است که آیا ما مأموریتی که برای صنعت قائل هستیم این است که همیشه باری بر دوش کشور باشد؟ ما در خلال این ۳۵ ساله که صنعت در مملکت رشد پیدا کرده حداقل از دو طریق حمایت نشان دادیم: ۱ - از طریق تزریق ارز ۲ - از طریق تعرفه‌های کلان. و بار هر دوی

صحیح - و دنبال نمودن آن به معنای نوعی یکپارچگی و یا به عبارت دیگر هماهنگی در کلان است.

در عین حال معتقدم به دلیل اعمال سیاستهای خصوصی سازی و همچنین صرفه جوئی در هزینه های جاری، می توان وزارتخانه های صنایع و صنایع سنگین را در یکدیگر ادغام نمود.

آقای ضرابیه رئیس هیأت مدیره پلاستیران:

به هر صورت مشکلات و نادرستی هایی وجود داشته که به این روز افتاده ایم. حالا بایستی راه چاره برای آن پیدا کنیم.

واحد بودن سیاستگذاری در تمامی بخشهای صنعتی کشور، صد درصد می تواند مشکلات را برطرف کند ولی تصمیم گیری نباید واحد باشد. باید یک مجموعه ای درست بکنند - چه متشکل از سه وزارتخانه با هم باشد یا تک تک - به گونه ای که اگر وزارتخانه ای می خواهد در مورد ساخت

اتومبیل تصمیم بگیرد، به تنهایی نتواند تصمیم بگیرد. یعنی یک برنامه ای درست کنند که صنعت مملکت را در آن راهی که این سه با هم تکمیل کردند، هدایت کنند. این بزرگترین مشکل مملکت ما است. اگر وزارت کشاورزی ما خیلی موفق بود نمی تواند بگوید که وزارت صنایع به من ربطی ندارد. او بایستی موفق بشود بدون این که به صنعت لطمه بزند، صنعت هم بایستی موفق بشود ضمن این که به بازرگانی لطمه نزند، بازرگانی هم باید موفق بشود ضمن این که به تجارت خارجی لطمه نزند. همه بایستی رعایت حال همدیگر را بکنند و این موضوعی است که در مملکت ما فراموش شده است. بحث موفقیت وزارتخانه مطرح نیست، مملکت ما باید موفق بشود باید در وزارتخانه این فکر حاکم باشد که طوری عمل کنیم که مملکت موفق بشود نه اینکه تنها به فکر چارچوب وزارت خود باشیم.

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سؤال ۵- تبصره های بودجه ۷۲ برای تسهیلات بانکی تعهدات مشخصی معلوم نموده است که پس از کسر این تعهدات، کلاً رقمی حدود ۵۰۰ میلیارد تومان برای بخش غیردولتی باقی میماند. آیا به نظر شما این رقم می تواند در تحریک اقتصاد به ویژه صنعت خصوصی مؤثر باشد؟ برای رفع این مشکل چه باید کرد؟

آقای دکتر نوریبخش معاون اقتصادی رئیس جمهوری:

به مرحال ما حد کارمان همان ۵ هزار میلیارد است و آن هم براساس رشد نقدینگی حدود ۲۴٪ تا ۲۸٪ که بدیشانه است و نرخ تورم بالای ۲۵٪ درسال ۷۲، پیش‌بینی شده است. هرچقدر این رقم بیشتر بشود، این نرخ بیشتر خواهد شد. اما در مورد این که نیاز واحدهای تولیدی چقدر است باید بگویم که هرچه بدهید آنها نیاز دارند! من می‌گویم توان بانکها ۵ هزار میلیارد ریال است که به معنای ۲۵ درصد رشد نقدینگی و به معنای ۲۵٪ تورم است. حال می‌خواهید این رقم ۱۰ هزار میلیارد بشود؟ یعنی می‌خواهید که بانک مرکزی معادل همین رقم تزریق کند به سیستم بانکی و ما ۱۰ هزار میلیارد در اختیار واحدهای صنعتی قرار بدهیم؟ آن وقت ما باید بپرسیم که این رقم، چه مقدار رشد نقدینگی و تورم به دنبال خواهد داشت؟ نقدینگی ما درسال ۶۸، ۱۸ هزار میلیارد بود، ما چقدر ارز را به نرخ شناور تبدیل کردیم که رسیده به ۳۵ هزار میلیارد ریال و آیا این تبدیل ۱۸ هزار به ۳۵ هزار موجب نشده که نرخ دلار برسد به ۱۶۰ تومان؟ حالا اگر شما بخواهید دنبال قضیه بگوئید که

چون این ۱۶۰ تومان است بشا براین نقدینگی ۳۵ هزار میلیارد کافی نیست و باید آن را به ۶۰ هزار میلیارد برسانیم، در نتیجه قیمت دلار می‌شود ۵۰۰ تومان! این یعنی دقیقاً توی چاه افتادن.

مطلب دیگر، این که بینیم درسال ۷۲ نسبت به سال ۷۱ و ۷۰ چه کار بزرگی در بخش صنعت انجام گرفته که این قدر مشکلاتش متوجه سیستم بانکی می‌شود. درسال ۷۱ حدود ۱۹۲ میلیون دلار ارز دولتی به وزارت صنایع بابت آرد و روغن نباتی و پودر شوینده و صابون و غیره داده شده. که تحت توزیع کوپنی بوده، هزار میلیارد ریال هم رقابتی اختصاص یافته بوده است. بقیه هم شناور عمل شده است. هیچ کس هم دادش درنیامد، یعنی شناور پرداخت شده و صنعت گردش خودش را داشته. حدود ۲/۳ یا ۲/۴ میلیارد دلار هم از طریق شناور با نقدینگی خودشان گردش کرده یعنی یا همان ۳۵ هزار میلیارد ریال. حالا ما درسال ۷۱ این یک میلیارد دلار رقابتی ۶۰ تومانی را تبدیل کردیم به شناور ۱۶۰ تومانی، یعنی یک میلیارد ضریرد ۱۰۰ تومان، شما ۱۰۰ میلیارد تومان این جا کم دارید ولی ما ۲۶۰ میلیارد تومان به صنعت اضافه کردیم. پس معلوم می‌شود که

چند درصد آن را پرداخت خواهد کرد.

آقای محمد هاشم رهبری نائب رئیس دوم کمیسیون برنامه و بودجه مجلس:

اگر به کل اعتباراتی که در سال ۷۰ در اختیار بخش خصوصی بود توجه کنیم، ۲۳ هزار و پانصد و نود میلیارد ریال مانده اعتباراتی است که در اختیار بخش خصوصی بوده است. تا پایان سال ۷۱ نیز حدود ۵ هزار به آن اضافه می‌شود که می‌شود ۲۸ هزار میلیارد ریال. منتها اگر اندکی به جزئیات این ۵ هزار میلیارد ریالی که قرار است اضافه بشود توجه شود، مشخص می‌گردد که یک قسمت از آن مربوط به تبصره‌های ۳ و ۴ و ۵۲ و ۱۱ و غیره است که تکلیفی است. یعنی در واقع آن چیزی که بخش خصوصی آزادانه می‌تواند مراجعه کند به بانکها و طلب بکند چیزی بیشتر از ۳ هزار میلیارد ریال نیست. در واقع درست است که باید به بخش خصوصی منابع کمی اختصاص یابد، ولی این نوعی بی‌عدالتی به بخش خصوصی است. پول مردم که در بانکها گذاشته می‌شود بهتر است توسط خود بخش خصوصی مورد استفاده قرار گیرد. حال چرا در اختیار بخش خصوصی قرار نمی‌گیرد، به خاطر این است که ما نمی‌خواهیم یک اصل ساده را بپذیریم که بودجه ما محدود است و خرجایمان را در چند درآمدمان کنترل کنیم. این را

\* دکتر عادل رئیس کل بانک مرکزی: در این سالهای اخیر بیشترین سهم تسهیلات بانکی به بخش صنعت داده شده است.

کمبود قضیه کجاست.

من فکر می‌کنم که چون قیمتها به قیمت واقعی نزدیک می‌شود، میزان مصرف کمتر می‌شود. نمونه‌اش هم بحث سیمان است.

آقای حسین امینی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس:

اگر این ۵ هزار میلیارد، ۲۰٪ نقدینگی مورد نیاز واحدهای تولیدی را جواب می‌دهد، باید اعلام بشود که ما ۲۰٪ آن را وام می‌دهیم و ۸۰٪ را خودت تأمین کن. اگر این ۵ هزار میلیارد، ۷۰٪ را جواب می‌دهد، باید به واحد تولیدی اعلام کنید که ۷۰٪ را ما وام می‌دهیم و ۳۰٪ را خودت تأمین کن. ما درخواست افزایش ندادیم، بلکه می‌خواهیم مشخص بشود که این ۵ هزار میلیارد چند درصد نقدینگی مورد نیاز کارخانجات است. واحدهای تولیدی برای ورود ماشین‌آلات و مواد اولیه خودشان در طول سال در کل کشور به حجم معینی از نقدینگی نیاز دارند. که درصدی را باید خودشان تأمین کنند، درصدی را هم باید وام بگیرند. باید مشخص شود سال گذشته که چند درصد از این نیاز را وام داده و امسال

تبصره‌های بودجه رقمی حدود ۵۰۰ میلیارد تومان برای بخش غیردولتی در نظر گرفته، که این رقم برای فعالیت صنعت در بخش خصوصی ناچیز است. اما آیا بخش خصوصی تمامی تقدینگی و اعتبارات خود را در فعالیت تولیدی استفاده می‌نماید؟ قطعاً این چنین نیست.

اولاً از حدود ۶۶۰۰۰ میلیارد ریال تولید ناخالص داخلی، بودجه کل کشور که شامل دولت و شرکتهای دولتی می‌شود حدوداً ۵۴۰۰۰ میلیارد ریال بوده که رقم باقیمانده برای کلیه بخشها می‌باشد. آن هم جای بررسی دقیق و کارشناسی دارد که در اختیار چند درصد از جامعه است بنابراین ما می‌باید طی برنامه دوم به خصوصی سازی به طور جدی و محتوایی بپردازیم و این مهم را با تمام توان دنبال کنیم تا ساختار اقتصاد دولتی کشور به تعدیل بینجامد و مردم در همه بخشها فعال شوند. چرا که قانون اساسی بهترین سند و منشور و مبنای برای انجام این کار است.

آیا دولت محترم جمهوری اسلامی می‌باید پروسه خرید گندم تا مصرف نان را به طور کامل بعهدہ داشته باشد یا امنیت و

نمی‌پذیریم و در عوض فشار می‌آوریم به سیستم بانکی، و تعهد بانکی ایجاد می‌کنیم. آن وقت سیستم بانکی منابعش را به دستگاههایی می‌دهد که ذاتاً دولتی هستند و در نهایت بخش خصوصی بدون تقدینگی، امکانات و اعتبار می‌ماند.

آقای سلیمانی عضو کمیسیون صنایع و معادن:

تاکنون چون حدود فعالیت بخشهای دولتی و خصوصی در زمینه فعالیتهای صنعتی تسدوین نشده، تخصیص ارقام تسهیلات هم نمی‌تواند پایه مناسبی داشته باشد. به نظر من می‌باید در یک شرایط کاملاً حساب شده، قوانین و مصوبات لازم را برای فعالیت بخش خصوصی و جذب سرمایه‌های این بخش آماده نمود و با محدود نمودن فعالیتهای غیر ضروری بخش خدمات، زمینه سالم توسعه بخش صنعت را فراهم نمود. بخش خصوصی در شرایط فعلی برای توسعه فعالیتهای صنعتی نمی‌تواند به سیستم بانکی متکی باشد.

آقای علی مبینی دهکردی عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

«مهندس مرتضی الویری معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات: پیش از آنکه در بخش خصوصی به منابع بانکی توجه شود، باید به ایجاد ساختار، شرایط اقتصادی و اجتماعی و اهمیت سرمایه توجه نمود.»



« آقای سلیمانی عضو کمیسیون صنایع و معادن: نرفتن به سمت توسعه صنایع اساسی و سرمایه‌ای، اشتباهی است که تحت هیچ شرایطی پذیرفتنی نیست.

خواهد شد. در واقع آن چه که باعث شده این تسهیلات بانکی نتواند در بخش صنعت جایگاه خودش را نشان بدهد، به نگرش مسئولین بانکی و یا مسئولین مالی مملکت برمی‌گردد.

برداشت من به عنوان عضو کمیسیون صنعت این است که برای آقایان فقط تراز مالی پایان سال مهم است و اینکه مشخص کنند در ازای این تسهیلات بانکی که داده‌اند چه چیزی گرفته‌اند. هنگامی که دیدگاه و طرز فکر این باشد، خود این دیدگاه دیکته می‌کند که به بخش خدمات سرویس بدهند. چرا؟ چون وامی که به یک تاجر و یا یک بازاری داده می‌شود خیلی سریع به مواد اولیه تبدیل می‌شود و مواد اولیه هم خیلی سریع فروخته می‌شود. یعنی یک حجم مشخصی پول در طول یکسال چندین بار گردش دارد. در حالی که اگر همان مبلغ را به بخش صنعت بدهند تا این مبلغ بخواهد به تولید صنعتی برسد چندین سال طول می‌کشد، تا مواد اولیه خریداری شود و در صنعت به تولید تبدیل بشود و سپس فروخته بشود، حتماً بیش از یکسال طول می‌کشد. و این به معنای آن است که چرخش پول در صنعت خیلی کند است و از نظر مسئولین بانکی یعنی اینکه سودآوریش خیلی کم است. حالا اگر دیدگاه و طرز تلقی مسئولین سیستم بانکی این باشد که در پایان سال حجم نقدینگی یا سودشان را افزایش دهند، عقل حکم می‌کند

تحقیقات کشور را؟ آیا انحصار در مخابرات، تلفن و پست و شرکت‌های آب و برق و راه، کشتیرانی و صنایع شیر پذیرفتنی است؟ آیا صنایع فولاد با تشکیل شرکت‌های انحصاری برای فروش محصولات زمینه‌های خصوصی‌سازی را فراهم آورده‌اند؟ و بسیاری موارد دیگر.

تقویت تعاونیها بویژه از کارکنان واحدها و استفاده از توان مدیریتی آنان و تشکیل سندیکا و اتحادیه‌های صادرکننده به منظور ایجاد انحصار در صادرات کشور و اصلاح ساختار اداری و درآمدها و هزینه‌های دولت، بهبود ساختار صنعتی و نظام بخشی به آن می‌تواند رفع‌کننده این مشکل باشد.

آقای نوروززاده عضو کمیسیون صنایع و معادن:

کل تسهیلاتی که پیش‌بینی شده، ۲۱۰۰ میلیارد تومان است که حدود ۵۰۰ میلیارد تومان آن به بخش غیردولتی برمی‌گردد بقیه‌اش هم عملاً در قالب شرکتها هزینه

دولتی، مردم و دولت موظفند که کارهای بیش از توانشان انجام بدهند؟ بالاخره این سقف را یک جا باید مراعات کنیم. اگر در جایی مصرف کردیم، طبیعی است که در جای دیگر کم می‌آوریم. اگر ما می‌خواهیم به عنوان مجلس تصمیم درست بگیریم و همین طور دولت، دولت باید تعهداتش را کم کند. باید آن مقدار که گردش کارش اجازه می‌دهد، شرکتهای دولتی را که از نظر راندمان نیز مسأله دارند، واگذار کنند. دولت باید آن مقدار که درآمدش اجازه می‌دهد، تعهد ایجاد کند. ما بیش از توان مالیمان، بیش از توان نیروی انسانی مان و بیش از مصالحمان تعهد ایجاد کرده‌ایم و نتیجه آن شده است که پروژه‌ها طولانی شده و به نتیجه هم نرسیده است. حالا اگر واقعاً به این نتیجه رسیدیم و بر سر دوراهی قرار گرفته‌ایم، بیائیم تصمیم بگیریم و منابع زیادی از تسهیلات بانکی را به شرکتهای دولتی ندهیم، بگذاریم بخش خصوصی که می‌خواهد کار کند و برای گردش مالی‌شان احتیاج به نقدینگی بیشتر دارد، از این تسهیلات استفاده کند. باید از آنجا بزنیم تا اینجا را بتوانیم تأمین کنیم.

که بروند به سمت بخش خدمات. اما چنانچه دیدگاهشان این باشد که در جامعه اشتغال مولد ایجاد بکنند و با مشکل بیکاری مبارزه بکنند، منجر به آن می‌شود که تسهیلات بانکی به سوی بخش صنعت و سرمایه‌گذاری برود.

حالا درست است که نسبت به یک اعتبار ۲۱۰۰ میلیارد تومانی، ۵۰۰ میلیارد تومان به بخش خصوصی داده شده، ولی کل این جهت‌گیری به گونه‌ای بوده است که زمینه توفیقی نداشتیم. بانکها آن گونه که باید و شاید عمل نکردند و بیشتر سعی کردند به بخش خدمات بها بدهند. لذا تا این نگرش عوض نشود مشکلی از صنعت حل نخواهد شد.

آقای مهندس مرتضی نبوی عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس:

علت اینکه میزان ارائه تسهیلات بانکی به بخش خصوصی به ۵۰۰ میلیارد تومان محدود شده چیست؟ مگر در تبصره‌های بودجه برای بانک ایجاد تعهد نکردیم که تسهیلات بانکی بدهد؟ مگر برای اینکه کسر بودجه صفر باشد، نگفتیم که شرکتهای

✽ مهندس نعمت‌زاده وزیر صنایع: آنها که از وابستگی صنعت صحبت می‌کنند، به صنعت کشور واقف نیستند. درست است که صنعت ما صادراتی نیست ولی این دلیل بر وابستگی آن نیست.

برنامه وزارت معادن و فلزات:

بیش از آنکه در بخش خصوصی به منابع بانکی توجه شود باید به ایجاد ساختار و شرایط اقتصادی و اجتماعی و اهمیت سرمایه توجه نمود. چرا که این مسأله خود می‌تواند مجموع سرمایه‌های خصوصی را متشکل کرده تا به عنوان منبع مهمی به کار گرفته شود. چنانچه سود و امنیت واسطه‌گری بیش از تولید باشد، تسهیلات بانکی هم کمکی نمی‌کند.

تسهیلات بانکی هم نه به زور بلکه باید براساس توجیه اقتصادی واقعی طرح‌ها باشد که آنهم در شرایطی که ارز یک نرخه نبود مفهومی نداشت و چنانچه این تسهیلات در رشته‌های صنعت که اولویت آنها باید مشخص شود به کار گرفته شود قطعاً کمک خواهد کرد. البته معلوم نیست صرف توزیع آن در رشته‌های مختلف صنعت، بهره‌وری مناسب را ایجاد کند. باید سیستم بانکی و صنعتی هماهنگ با یکدیگر و با کمک یکدیگر عمل کنند.

نکته دیگری که در زمینه ارائه تسهیلات بانکی قابل اهمیت است آثار تورمی آن در کشور می‌باشد. درست است که ارائه تسهیلات بیشتر موجب رشد اقتصادی و رونق می‌گردد، اما به دلیل توزیع ناعادلانه درآمد در کشور ما که از زمان طاغوت به ارث رسیده است، فشار حاصل از سیاستهای انبساطی پولی بلافاصله فشار جدی خود را بر دهک‌های پائین خانواده

آقای منصور سلیمانی، عضو کمیسیون صنایع و معادن: در شرایط جدید اقتصادی باید اولویت لازم به اصلاح ساختار بیمار صنعتی کشور داده شود.

آقای ابوالفتح نیک‌نام عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس:

این ۵ هزار میلیارد ریال که در چارچوب بودجه به بخش خصوصی تخصیص داده شده تماماً برای صنعت نیست. هم برای صنعت است، هم برای فعالیتهای تجارتي. اگر در این اعتباری که در نظر گرفته شده به صنعت عنایت بیشتری بشود و به صاحبان صنعت اعتبار داده بشود تا از طریق این اعتبار ارز مورد نیاز مواد اولیه را به دست بیاورند. و تولیدشان افزایش پیدا بکنند و این مسأله منجر به تأمین مقداری از تقاضای مردم شود، باز چطور ممکن است مسأله تورم اتفاق بیفتد؟ با توجه به اینکه این اعتبار ریالی تبدیل می‌شود به قیمت ارزی که باز به سیستم بانکی برمی‌گردد و در مقابل، مواد اولیه وارد می‌شود و تبدیل می‌شود به کالا و کالا عرضه می‌شود تا تقاضا را متعادل کند و نهایتاً نتیجه این می‌شود که نه تنها تورم افزایش پیدا نمی‌کند، بلکه کاهش هم خواهد یافت.

مهندس مرتضی الویری، معاون طرح و

به نظر من این رقم باید مشکل تحرک اقتصادی صنعت خصوصی را حل بکند، البته اگر گردش داشته باشد. الان مشکل صنعت ما دو - سه مورد است. و تنها به مشکل نقدینگی محدود نمی‌شود. مشکل تولید سرانه هم هست. یک کارخانه با ۹۰۰ کارگر، روزانه ۸۰۰ یخچال تولید می‌کند و یک کارخانه با ۳ هزار کارگر، ۲۵۰ یخچال در روز تولید می‌کند. طبیعتاً این کارخانه بایستی ورشکست بشود و یا اینکه خودش را به آن یکی بوساند. تازه آنکه ۸۰۰ دستگاه یخچال تولید می‌کند، وقتی با تولیدکننده ژاپنی خود را قیاس می‌کند می‌بیند ژاپنی با ۴۰۰ کارگر ۵ هزار یخچال تولید می‌کند و او خیلی عقب است. و این به هر صورت مجبور می‌شود جلو برود. ورشکستگی اشکالی ندارد. شما فکر می‌کنید وقتی که آلمان اعلام می‌کند (X) تعداد شرکت در سال ۹۲ ورشکست شدند، واقعاً اقتصادش مریض است؟ نه، قدرت رقابتش زیاد شده است و مجبور شده‌اند بهترین آنها جلو بروند، در واقع مسابقه است.

به اعتقاد من تولید سرانه باید بالا برود که نتیجه آن فراوانی جنس در جامعه است

\* مهندس مسرتضی نبوی عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی؛ باید دقیقاً مشخص شود که بخش صنعت سی و چند میلیارد دلاری را که دریافت کرده، چگونه هزینه نموده است؟

تحمیل خواهد کرد. در برخی از کشورها حاضر می‌شوند رشد را به هر بهائی بسپارند. مثلاً اوزال در ترکیه می‌گفت «تورم، بهای رشد است» و لذا برای تحقق رشد بیشتر، تورم سالیانه ۷۰ درصد را پذیرا می‌شد. در چین بالعکس به دلیل اینکه نرخ رشد دورقمی موجب تورم و کاهش قدرت خرید مخصوصاً در نواحی مرکزی کشور شده است دولت تصمیم بر کاهش نرخ رشد گرفته است. خلاصه اینکه میزان ارائه تسهیلات بانکی در عین اینکه یک تصمیم اقتصادی است، یک تصمیم سیاسی نیز هست.

آقای ضرابیه رئیس هیأت مدیره پلاستیران:

اگر درست هدایت بشود و منصفانه برخورد بشود و بانکها کنترل کنند که صحیح عمل بشود، به نظر من مؤثر خواهد بود. البته بایستی برنامه‌ریزی بشود که سوپسید از بین برود. البته نه سوپسیدی که، در بخش پزشکی، مداوا و کار و بیمه داده می‌شود. حتی سوپسید بیشتر در آموزش و پرورش نشانه خدمت بیشتر است ولی سوپسید به صنعت، بازرگانی و واردات بایستی از بین برود.

وقت مجبور است تولید خود را افزایش دهد. اگر سود عالی می‌خواهد باید برسد به بسالای ۹۰ درصد ظرفیت. آن وقت این کارخانه برای جامعه و اقتصاد و صنعت کشور مفید است.

و این رقابت باعث پائین آمدن قیمت می‌شود. تولید بایستی فراوان بشود نه این که کارخانه فراوان بشود. کارخانجات ما الان با ۴۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند. باید به وضعی برسیم که اگر کارخانه‌ای کمتر از ۷۰ درصد ظرفیت تولید کرد، متضرر شود. آن

سؤال ۶- آیا همزمان با تک نرخی کردن ارز، سیستم بانکی باید کل ریال موردنیاز برای فعالیتهای ارزی موردنیاز بخش‌ها را تأمین کند؟ در این صورت چه اتفاقاتی قابل پیش‌بینی خواهد بود؟ در شرایطی که سقف تصویب شده تسهیلات حدود ۲۱۰۰ میلیارد تومان می‌باشد که خود متضمن ۲۴ درصد رشد نقدینگی می‌باشد، آیا افزایش سقف تسهیلات را برای حل مشکلات بخش صنعت توصیه می‌نمائید یا راه‌حل دیگری را پیشنهاد می‌کنید؟

آقای مهندس علی‌نقی سید خاموشی عضو کمیسیون صنایع و معادن:

این که ارز را یک نرخی کردند قابل تحسین است. این اقدام، گام بسیار مثبتی بود که به کمک دولت و مجلس برداشته شد. اما به عقیده من یک نارسائی دارد و آن این است که ارز ما محدود است و موقعی که ارز محدود داریم باید مواظب مصرف آن باشیم. اولین اشکال این است که ما در مصرف آن تسهیلات لازم را نداریم. یعنی سیاستهای بازرگانی کشور با این سیاست نمی‌خواند و هماهنگ نیست. هیچ وقت نباید این طوری فکر کنیم که صنعت خودش

آقای مهندس سید حسین هاشمی، رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس:

بالاخره ارز تک نرخی که اعلام شد باید یک سری تسهیلات و سیاستهایی را به دنبال می‌داشت تا عوارض و مشکلات احتمالی را برطرف سازد. ما این سؤال را از آقای دکتر عادل هم کردیم اما بانک مرکزی مشخص نکرده است که چه میزان از این رقم ۲۱ هزار میلیارد ریال، برای بخش مردمی است و چه میزان برای بخش دولتی. یعنی جایگاه بخش مردمی در این شعار خصوصی سازی که ما می‌دهیم کجاست؟

سود بازرگانی و حقوق گمرکی است، استفاده نمی‌کنیم؟ عدم استفاده از این اهرم باعث شده که هم واردات و هم تولید مشابه داخلی از یک نرخ ارز تبعیت کنند و هم اینکه صنایع داخلی ما حداقل حمایت لازم برای رقابت در بازار را از دست بدهد. الان کارخانجات ما با این مشکل روبرو هستند که کالا در انبارشان موجود است و نمی‌توانند آن را در بازار تبدیل به نقدینگی بکنند. و در همین حال کالای مشابه خارجی که وارد شده با مزیت نسبی خود بازار کالاهای داخلی را گرفته است. الان اعتبارات طوری تخصیص داده می‌شود که صنایع با توجه به تغییر نرخ ارز، از نظر نیاز به اعتبارات، بامشکل روبه رو هستند و واقعاً هیچ‌گونه ممری برای حرکت آنها موجود نیست.

ما از یک نرخ شدن ارز باکی نداریم و از آن حمایت هم می‌کنیم، اما به شرط این که در دولت و در سیستم بانکی مملکت، بقیه سیاستها هم با آن هماهنگ شود.

آقای سلیمانی عضو کمیسیون صنایع و معادن:

گرچه عدم تخصیص ارز حاصل از تولیدات نفت به طور مساوی برای اداره صنایع مصرفی و واسطه‌ای و سرمایه‌ای کار معقول و حساب شده‌ای نبود ولی عدم سرمایه‌گذاری دولت (عدم تأمین و تخصیص ارز) برای توسعه و تکمیل صنایع اساسی و سرمایه‌ای و بعضی از صنایع واسطه‌ای هم حاکی از آینده‌نگری نمی‌باشد

از نظر ارز خودگران بشود، بلکه باید این طور ببینیم که درکل مجموعه، یک صنعتی ارز می‌گیرد و یک صنعتی ارز می‌دهد. اما این دو باید با هم توازن داشته باشند. مابرای راه‌اندازی و سرپا نگه‌داشتن کارخانجاتمان به مواد اولیه که حتماً باید از خارج بیاید و قطعات یدکی که اکثراً باید از خارج بیاید، به ماشین‌آلات که باید از خارج بیاید و به سرمایه‌گذاری جدید نیاز داریم که همه به ارز احتیاج دارند. حالا این ارز اگر جاهای دیگر مصرف بشود، قاعدتاً سهمی که به صنعت می‌رسد، کم خواهد شد و این، هم سرمایه‌گذاریهای جدید را با مشکلات مواجه می‌کند و هم خود کارخانجاتی که سرپا هستند را با رکود مواجه می‌کند. وقتی چنین شد قاعدتاً ما در بقیه سیاستهایمان شکست می‌خوریم، و نهایتاً اینها یک نروخی شدن ارز را زیر سؤال می‌برد. ما سؤال‌مان این است که چرا سیاست بازرگانی دولت با سیاست یک نروخی ارز نباید هماهنگ باشد؟ الان چرا این سهمیه‌بندی مشخص نیست که چقدر از این ارز بساید به واردات کالاهای مصرفی تخصیص پیدا کند و چقدر به صنایع؟ نکته دیگر این که چرا ما از بزرگترین اهرم حمایت از تولیدات داخلی مان که حقوق و

**\* دکتر نوربخش، معاون اقتصادی رئیس جمهوری: باید با کنترل ریال، ارز را هم تا حدودی کنترل کنیم. مملکت دیگر توان پرداخت ارز به شیوه سالهای ۶۷ تا ۷۰ را ندارد.**

و متأسفانه به این امر بهای لازم داده نمی‌شود.

مجلس شورای اسلامی و دولت که بر تک نرخ شدن ارز صحنه گذاشته‌اند، مسلماً از وضعیت کمی و کیفی صنایع شناخت لازم را داشته‌اند و واقف بوده‌اند که میزان نقدینگی لازم برای اداره بخش صنعت چقدر است. حال بانک مرکزی برای جلوگیری از رشد نرخ تورم از پرداخت تسهیلات خودداری می‌نماید و با اصطلاح سیاست انقباضی در پیش گرفته است. مدیران کشور و مجلس شورای اسلامی باید در شرایط فعلی یکی از این دو راه را انتخاب نمایند: اول صحنه بر سیاست بانک مرکزی که نتیجه آن کاهش تولیدات صنعتی و در موارد متعددی تعطیلی نسبی یا کامل واحدهای صنعتی و بیکار شدن کارگران این واحدهاست و دوم، افزایش رشد نرخ تورم و فشار بیش از حد بر طبقات کم درآمد جامعه.

آقای علی مبینی دهکردی عضو کمیسیون برنامه و بودجه:

اینکه با تک نرخ شدن ارز، سیستم بانکی موظف باشد کل ریال مورد نیاز واحدها را بپردازد، از نظر اجرایی عملی نیست و اقتصاد کشور را با تورم بالایی مواجه می‌گرداند. بنابراین افزایش سقف تسهیلات به میزانی که تولیدکننده برای تامین مواد اولیه به دلیل افزایش قیمت نیاز دارد، معقول است. ولی برای تامین هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای و حتی تامین اعتبار جهت فروش کالا اگرچه برای تولید کننده مناسب است، ولی اثرات زیانباری در رشد تورم و نقدینگی کشور دارد. پیشنهاد می‌شود با چرخش در عملیات مالی، سرعت زیاد پول را جایگزین حجم زیاد آن، بسازیم و این تا اندازه‌ای می‌تواند کارگشا باشد. تلاش برای پیش‌فروش نمودن کالا و تولیدات نیز راه حل مناسب دیگری است که البته با بالا بردن کیفیت تولیدات صنعتی می‌توان به آن جامه عمل پوشاند.

آقای نوروززاده عضو کمیسیون صنایع و معادن:

اگر قرار باشد سیستم بانکی، کل ریال مورد نیاز صنعت را بر مبنای نرخ فعلی ارز تامین کند، چه فوق می‌کند که قیمت ارز را ۷۰ ریال تعیین کنند یا ۱۶۰ ریال و یا هر رقم دیگر. این به آن معنا خواهد بود که متناسب با میزان ارز مملکت، در دست مصرف‌کننده مان ریال باشد و بتواند برود از بانک مرکزی ارز بخرد. اما مشکل ما خود

بدهند؟ به هر حال باید این مشکل حل بشود.

به اعتقاد من این حالت فعلی که کاملاً سیستم بانکی را قفل کرده‌اند و می‌گویند نقدینگی تزریق نمی‌کنیم تا تورم در جامعه ایجاد نشود، افراط بیش از حد است. من با این موافقم که بانکها تسهیلات بیشتری بدهند اما اینکه صنایع هرچه تسهیلات بخواهند در اختیارشان گذاشته شود، اصلاً عملی نیست.

پیشنهاد مشخص من این است که کارخانجات باید بتوانند حسابهای ارزی داشته باشند، باید بتوانند از منابع ارزی خارج قرض بگیرند و در ضمن بتوانند ارزی را که خودشان می‌آورند و در سیستم تزریق می‌کنند، مجدداً به ارز تبدیل یعنی به صادرات تبدیل کنند. اصولاً صنایع ما در یک چنین چارچوب و سیاستی می‌توانند روی پای خودشان بایستند و قادر خواهند بود ارزی را که به صورت تنخواه از صنایع داخلی یا خارجی می‌گیرند، با یک ارزش افزوده بیشتری جایگزین کنند. ما باید تولیداتمان را به گونه‌ای سازماندهی کنیم که محصولاتمان با بازارهای خارجی قابل

مبلغ ارز است که محدودیت دارد. در واقع افزایش نرخ ارز به این دلیل انجام شده است که متناسب با ارزی که در بانک مرکزی موجود است، یا امکان ارائه آن توسط بانک مرکزی وجود دارد، ریال در جامعه وجود داشته باشد. یعنی بین ریال و ارز توازن برقرار باشد. مثلاً اگر چنانچه سال گذشته بودجه مملکت ۲۴۰۰ میلیارد تومان بود، آن را تبدیل به دلار ۷۰ ریال بکنیم، عددی حاصل می‌شود که این عدد فرضاً ارز موجود در بانک مرکزی است آن وقت تمام کسانی که پول دارند می‌توانند ارز بگیرند. اما چون ارزی که در اختیار بانک مرکزی است یا آن چه که به عنوان منابع ارزی در اختیار بانک قرار دارد، بسیار محدود است، پس پایه نرخ ارز را به گونه‌ای تغییر دادند که اگر ریال موجود در مملکت را به نرخ جدید تقسیم کنیم عددی که بدست خواهد آمد، در حدود میزان واقعی منابع ارزی کشور است. اما باز مشکل دیگری داریم و آن اینکه منابع مصرفی ما که کارخانجات و صنایع مملکت هستند، برای خرید ارز باید ریال داشته باشند. حال اگر ریال مورد تقاضایشان را به آنها بدهیم، ارزی در میان نیست که بخرند و اگر ندهیم، پس صنایع مان چگونه به تولید ادامه

\* آقای محمد ضرابیه مدیر عامل شرکت پلاستیران: مشکلات کنونی صنعت فقط به خاطر نبود مدیریت و عدم تربیت و آمادگی مدیران برای روبرو شدن با شرایط فعلی صنعت است.



می‌توانیم منابع ارزان قیمت‌مان را به منابع گران‌قیمت ارزی تبدیل بکنیم و سپس آنها را صادر بکنیم. اگر در مقوله صادرات حرکت نکنیم و ساختار صنعتی‌مان را اصلاح نکنیم مشکلات‌مان حل نخواهد شد. در یکی از کشورها با جمله‌ای برخورد کردم که خیلی جالب بود، به این مضمون که «منابع محدود است و خلاقیت نامحدود» لذا ما باید از این خلاقیت نامحدود استفاده بکنیم و منابع محدود‌مان را به یک منابع نامحدود تبدیل بکنیم.

مهندس مرتضی الویری، معاون طرح و برنامه وزارت معادن و فلزات:

آسان‌ترین کاری که به نظر می‌رسد، تأمین کل ریال است ولی این کار نه عملی است و نه صحیح. بدیهی است که سقف نباید نامحدود افزایش یابد، ولی سایر مکانیسم‌های مالی هم باید به کار گرفته شود. اگر بار ریالی ارز را به طور ۱۰۰٪ تأمین و تسهیل کنیم، باز اشکال عدم بهره‌گیری از منابع مالی تکرار می‌شود.

واحدهای صنعتی باید اساساً جهت ساخت داخلی با استفاده از منابع داخلی مالی کاهش مصرف ارزی و کاهش هزینه تولید، نیاز به منابع مالی خود را تقلیل دهند. سیستم توزیع مناسب، کاهش

«آقای علی مبینی عضو کمیسیون برنامه و بودجه: اضافه مصرف صنعت، سی و چند میلیارد دلار بوده است نه ۱۰ میلیارد دلار!»

رقابت باشد و باتوجه به منابعی که در اختیارمان هست باید ارزش افزوده بالایی نصیبمان بشود. چرا؟ چون نیروی انسانی ارزان توی این مملکت داریم، نرخ انرژی یا سوخت در این مملکت چیزی در حد صفر است. درست است که ما نفت را به خارج بین ۱۵ تا ۲۰ دلار می‌فروشیم ولی همین یک بشکه نفت در هر کشور بین ۴۰، ۶۰ و ۷۰ دلار عوارض دارد. یعنی آن تولیدکننده خارجی درازای هر بشکه نفت مصرفی خود حدود ۵۵ تا ۱۰۰ دلار پرداخت می‌کند. درحالی که قیمت سوخت در کشور ما بسیار ارزان است. نیروی انسانی بسیار ارزان است. الان انرژی برق بسیار ارزان است. الان کارخانجاتی که در این زمینه‌ها کار کرده‌اند، توانسته‌اند خودشان را با بازار جهانی وفق بدهند و از توفیق خیلی خوبی برخوردارند و ضمن اینکه ارز مصرفی خودشان را به دست می‌آورند حتی فروشنده ارز هستند. پتانسیل‌های خیلی بالایی در زمینه پوشاک داریم. هنر ایرانی اگر نگوییم بی‌نظیر است کم نظیر هست. ما می‌توانیم صادرکننده خوبی در صنایع جنبی کشاورزی باشیم. ما صاحب صنعت پتروشیمی هستیم و

شاید بتوان برای تشویق تولیدکننده به صادرات، شرطی هم گذاشت و اعلام کرد به شرطی به تو یک ضمانت نامه بانکی می دهیم که هنگام بازپرداخت اقساط آن، ۲۰-۳۰ درصد مبلغ اقساط از محل صادرات تأمین شده باشد. اعتبار جهانی برای صنعت ماشایدیش از پول ارزش داشته باشد. فقط بانک مرکزی بایک برنامه ریزی می تواند این مشکل را حل کند.

مسئله در آزا

موجودی ها، کاهش ضایعات، افزایش بهره‌وری، ایجاد اعتماد در پیش فروش کردن‌ها و استفاده از اعتبار از جمله مواردی است که نباید نادیده گرفته شود.

آقای ضرابیه رئیس هیأت مدیره پلاستیران:

باید به صنعت اعتبارات بانکی بدهند. الان به خاطر نابسامانی ارزی - نه مشکلات ارزی نه کمبود ارزی - به فرض که تمام آمارهای دنیا هم درست باشد و ما ۳۰-۴۰ میلیارد دلار بدهی خارجی داشته باشیم، برای مملکتی مثل ایران که حداقل در سال بین ۱۲ تا ۲۰ میلیارد دلار درآمد نفتی پیش‌بینی شده و صد درصد دارد و تا این حد از نظر معادن و منابع زیرزمینی و طبیعی غنی است و امکانات بالقوه صادراتی دارد، چنین ارقامی به عنوان بدهی، خیلی زیاد نیست. مشکل آن است که برنامه ریزی نیست. بانک مرکزی و بانکها بایستی برنامه ریزی کنند و به جایی برسند که بانکهای خارجی و فروشنده خارجی به بانکهای ایران اعتماد داشته باشد و مواد را یک ساله یا دو ساله بفروشند و ما زمانی قسط آنها را بازپرداخت کنیم که پولش را درآورده باشیم.

\* دکتر عادل‌ی رئیس کل بانک مرکزی: مدیریت این نیست که با منابع ارزی بی انتها کار کنیم.